

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

بها : ۲۰ ریال

دوشنبه ۲۱ آبانماه ۱۳۵۸

پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- "ولایت فقیه" گشادترین کلاهی که بر مردم ایران می‌رود! (۵) در صفحه ۱۲
- نگاهی بر مواد قانون اساسی (۵) در صفحه ۷
- اخباری از جنبش دانش آموزی در صفحه ۱۷
- مصاحبه با یک صیاد مبارز - بندرانزلی - در صفحه ۸



گرامی باد شصت و دومین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر

۷ نوامبر (۵۸/۸/۱۶) معادف بود ما شصت و دومین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر انقلابی که حقانیت تاریخی پرولتاریا را در بدست گرفتن سرنوشت خویش و تمامی زحمت کشان به ثبوت رسانده و فعل نویسی از مبارزه پرولتاریای جهانی را بر علیه بورژوازی گشوده است .

بقیه در صفحه ۲

بیانیه سازمان درباره تغییر و تحولات اخیر :

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

• تردیدی نیست که شاه خاش را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد . اما این فقط جزئی ناچیز از خواسته های صدا مهربالیستی توده های مردم است .

• کمونیستها باید با شرکت فعال در مبارزات صدا مهربالیستی توده ها که هم اکنون در کوچه ها و خیابانها جاری است و هر روز اوج بیشتری میگیرد و با بردن شعارهای واقعی صدا مهربالیستی بمیان آنان ، نشان دهند که پیگیرترین نیروی صدا مهربالیستی هستند .

در صفحه ۲

مدنی کیست ؟

چرا او را کاندید ریاست جمهوری کرده اند ؟

مدنی : هرکس که زیرسند خودمختاری را امضاء کند ، به مردم ایران خیانت کرده است .

در صفحه ۵

جنبش کارگری

- اعتصاب در کارخانه ارج
- مبارزه پیروزمند کارگران بیکار قزوین
- مبارزات کارگران پیمانی صنعت نفت
- گزارش از مبارزات کارگران کشت و صنعت مغان
- اعتصاب کارگران پیمانی - آبادان -

در صفحه ۲۰

اخباری از: کردستان قهرمان

در صفحه ۱۸

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی ؟

-۲-
چریکهای فدایی خلق
و احزاب بورژوازی

نظا هر نا پایداری ایدئولوژیک
خرده بورژوازی

در صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بیانیه سازمان درباره تغییر و تحولات اخیر:

مرگ بر امپریالیسم آمریکا
دشمن اصلی خلقهای ایران

امواج توفنده، مبارزات ضد امپریالیسم توده‌های تحت ستم، سفیر ترک - خورده، سیستم حاکم را به لرزه درآورده است.

از هرسو صدای "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" به گوش میرسد. پنهان دادن شاه جنایتکار توسط دولت امپریالیستی آمریکا، پیش از پیش خشم انقلابی و غلبان یافته، توده‌ها را دامن زده است و آنها یکمدا استرداد، محاکمه و اعدام این مزدور آمریکائی را به مثابه، بخش کوچکی از خواسته‌های بحق و انقلابی خود خواستارند.

آنها برآستی‌کننده، طبقاتی عمیق خویش را نسبت به امپریالیسم آمریکا و مزدورانش که طی سالها حاکمیت ضد خلقی سرمایه‌داری وابسته، توده‌ها را بشدید - ترین وجهی غارت و سرکوب می‌کردند، در فربا ده‌ای خود زنده می‌بازند.

آنها بدرستی دریافته‌اند که هدف اصلی انقلاب که در جریان قیام بوسیه، خیانتکاران و سازش‌طلبان به انحراف کشته شده، همچنان امپریالیسم آمریکا و سیستم عمیقاً وابسته، سرمایه‌داری ایران است. این موج توفنده، جنبش توده‌ای هم‌اکنون لرزه براندام امپریالیسم آمریکا انداخته و پیش از پیش او را در محاق بحران سیاسی فرو برده است. اما شگفت آنکه می‌بینیم بخشی از هیئت حاکمه پس از زمینه‌چینی یک شاکم گسترده برای بدست گرفتن قدرت و قربانی کردن بخش دیگری از هیئت حاکمه اکنون می‌کوشد تا در انطباق با شرایط جدید و دست زدن به برخی حرکات ضد آمریکائی و پیش از آن با هیاهو و جاذبه‌های بسیار خویش را با پیشرو این مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ای که تاکنون در برابر آن ایستاده بود، جلوه دهد.

چگونه است که کسانی چون بهشتی که تا دیروز به همراه لیبرال‌های چون بازرگان، خاشارنه برای به سازش کشاندن انقلاب به پای میز مذاکره با ژنرال هوپزیر جلا می‌رفتند، اکنون "صدا میریالیست" شده‌اند.

چگونه است که کسانی که تا دیروز پشتیبان سرخست دولت بازرگان بوده و فرمان لشکرکشی ضد انقلابی ارتش دست پرورده آمریکا را به کردستان صادر نمود، اکنون دولت بازرگان را به جرم مذاکره با برژینسکی این مغز متفکر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا - مورد لعن و نفرین قرار می‌دهد، چگونه است "شورای انقلاب" که تا دیروز تمام سیاست‌های دولت را تصویب می‌نمود و تمام اقدامات ضد انقلابی کوچک و بزرگ او را در جهت بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و تأمین محد سلطه آمریکا و سرکوب خلقها مورد تأیید قرار می‌داد اکنون چهره "صدا میریالیستی" و "صدا زشکاری" به خود گرفته است؟ و دست به برخی اقدامات "صدا میریالیستی" می‌زند.

واقعیت چیست؟ حرکات و سیاست‌های جدید جناح انحمار طلب و قشری هیئت حاکمه را که می‌کوشد تمامی قدرت حاکم را از آن خود نماید، چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

کلید اصلی درک حرکات، سیاست‌ها و تحولات جدیدی که در صحنه سیاسی ایران رخ داده است را باید در موقعیت جنبش توده‌ای، بحران اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه و موقعیت رژیم حاکم جستجو نمود.

بدون چنین درکی، نمی‌توان این حرکات و سیاست‌ها و تحولات را مورد ارزیابی قرار داد.

★ ★ ★

قیام شکوهمند بهمن ماه با عظیم صدا میریالیستی مبارزات خلق ما را به روشنی آشکار نمود. پیام عمیقاً انقلابی این قیام عبارت بود از: نابودی کامل سلطه امپریالیسم در ایران، نابودی تمامی سیستم سرمایه‌داری وابسته و نهادهای وارگانهای وابسته به آن و ایجاد یک سیستم مردمی و خلقی که با سخگوی بنیه در صحنه بعد

بقیه از صفحه ۱ گرامی باد ...

از آن زمان تا کنون هر چند که امپریالیسم جهانی و تمامی نوکران آن و تمامی مرتجعین از جمله در ایران تلاش کرده‌اند این انقلاب را تخطئه کنند، اما هر زمان که عظمت انقلاب سوسیالیستی ویرانی آن در محو نظام استعماری در پیش چشمشان نمایان شده است، بر خود لرزیده‌اند.

از آن زمان تا کنون هر چند که اپورتونیست‌ها، و رویزیونیست‌ها و بالاخره سوبال امپریالیست‌ها، که به لباس مارکسیسم - لنینیسم در آمده‌اند، تمامی تلاش خود را برای تپی ساختن دستاوردهای انقلاب سوسیالیستی پرولتاریای روس از مضمون واقعی خویش بکار برده‌اند، اما نتوانسته‌اند حتی ذره‌ای از عظمت این انقلاب و حقانیت تاریخی آن کم کنند.

ما مالگرد این انقلاب کبیر را به تمامی زحمتکشان ایران بخصوص کارگران تبریک می‌گوئیم و بهمن مناسبت ترجمه مقاله‌ای از لنین را در بررسی انقلاب سوبالیستی اکتر، به پیشگاه زحمتکشان تقدیم می‌داریم:

چهارمین جشن
سالگرد انقلاب اکتر

(مقاله‌ای از لنین)

چهارمین سالگرد ۲۵ اکتبر. (۷ نوامبر)

فرا می‌رسد.

هر قدر بیشتر که آن روز بزرگ از ما فاصله می‌گیرد، بهمان نسبت ما آشکارا اهمیت انقلاب پرولتری را در روسیه مشاهده می‌کنیم و بهمان نسبت در باره تجربه عملی کارمان بعنوان یک کل عمیق‌تر می‌اندیشیم.

بطور خیلی خلاصه، و البته در طرخی بسیار ناقص و اجمالی، این اهمیت و تجربه می‌تواند به قرار ذیل جمع‌بندی شود. هدف بلاواسطه و فوری انقلاب در روسیه انقلاب بورژوا - دمکراتیک بود، یعنی نابودی بقایای قرون وسطائی و روسی‌کامل آنها، پاکسازی روسیه از این بربریت از این تنگ و برطرف کردن این مانع عظیم از تمامی فرهنگ و پیشرفت در کشورها. و ما می‌توانیم بطرز موجهی از انجام این پاکسازی که با اراده‌ای عظیم و سرعت، شجاعت و موفقیت فوق‌العاده زیاده‌تر و از نقطه نظر تاثیر آن بر توده‌ها، بسیار وسیعتر و عمیقتر از انقلاب کبیر فرانسه در بیش از یکمدهست و بیست و پنج سال پیش بود، بخود بمالیم.

هم‌آوارشیت‌ها و هم دمکراتهای خرده - بورژوا (یعنی منتوبکها، و سوبال رولوب سبونرها که المثنی‌های روسی نوع سوبال انترناسیونال هستند) در باره رابطه بین انقلاب بورژوا - دمکراتیک و سوبالیستی بنیه در صحنه بعد

بقیه از صفحه قبل

(یعنی ، انقلاب پرولتری) مهملات بسیار باور نکردنی گفته و هنوز هم میگویند . این چهار سال آخر کاملاً ثابت کرد که تمسیر ما از مارکسیسم در باره این موضوع وارز- باسی ما از تجربه انقلابهای پیشین صحیح بودند . ما انقلاب بورژوا - دمکراتیک را چنان انجام دادیم که قبلاً هیچکس چنین انجام نداده بود . ما که میدانیم انقلاب سوسیالیستی را دیوار چین از انقلاب بورژوا - دمکراتیک جدا نمی کند و نیز میدانیم که (در تحلیل نهائی) فقط مبارزه شعبان خواهد کرد که تا کجا پیش خواهیم رفت ، چقدر از این وظیفه شرک و متعالی را به انجام خواهیم رساند و تا چه حد در تحکیم پیروزیهایمان موفق خواهیم شد ، در حال پیروی آگاهانه ، استوار و بدون انحراف سوسیالیست سوسیالیستی هستیم . زمان نشان خواهد داد . اما از هم اکنون مشاهده می کنیم که کار عظیمی - عظیم بغاوت پرانی فرسودگی و عقب ماندگی کشور - در جهت گذار سوسیالیستی جامعه انجام یافته است .

با این همه اجازه بدهید آنچه را که باید در باره محتوای بورژوا - دمکراتیک انقلابمان بگوئیم ، ببان بفرماییم . مارکسیستها باید مفهوم آن را درک کنند . اجازه بدهید برای توضیح چند مثال برجسته بزنیم .

محتوای بورژوا - دمکراتیک انقلاب بدین معناست که مناسبات اجتماعی (نظام ، نهادها) کشور از قرون وسطی ، سرواژ و فئودالیسم پاکسازی میشود .

مظاهر مهم ، آثار و بقایای سرواژ در روسیه تا ۱۹۱۷ کدام بودند؟ پادشاهی ، نظام امتیازات اجتماعی ، مالکیت ارضی و اجاره داری زمین ، موهبت زنان ، مذهب و ستم ملی . هر یک از این طوایف های اویزاس را در نظر بگیرید ، طوایف های اتفاقاً ، تا حدود زیادی از سوی ستمی دولتهای پیشرفته هستند آنها انقلابهای بورژوا - دمکراتیک خود را در یکصد و بیست و پنج سال پیش ، دوست و پنجاه و اندی سال پیش (۱۶۴۹ در انگلستان) به انجام رساندند ، تمیز شده رها پیش ما خند ، هر یک از این طوایف های اویزاس را در نظر بگیرید خواهید دید که ما این طوایف ها را کاملاً تمیز کرده ایم . آنچه که ما در مدتی کمتر از ده هفته از ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) تا ۵ ژانویه ۱۹۱۸ ، زمانی که مجلس موسسان منحل شد ، از این لحاظ انجام دادیم هزار بار بیشتر از آن چیزی است که دمکراتهای بورژوا و لیبرالها (کادشها) و دمکراتهای خرده بورژوا (منتوبکها و سوسال رولو - سیونرها) در خلال هشت ماهی که در قدرت بودند ، انجام دادند .

این نارسین ها و خرده ها ملت های بزدل و باوه سرا و لاف زن شمشیرهای چوبینسان را تاب دادند اما حتی پادشاهی را هم بقیه در صفحه بعد

بقیه از صفحه قبل بیا نیند ، سازمان ...

خواسته های انقلابی بوده ها باشد . خلق ما خواستار لغو و افشای تمامی قرار - دادهای اسارت آور امپریالیستی ، ادعای خسارت سالیان دراز جیا ولگری و غارت و کشتار خلقهای ما از امپریالیسم آمریکا و بستن تمام جاسوسخانه ها و مراکز توطئه جینی امپریالیسم در ایران بود . کمونیست ها و نیروهای راستین انقلاب از همان آغاز بر خواسته های خلق پای میفشردند ، ما سورژوازی و همدستان انحراف طلب و دنیا لهر او چه کردند ؟ آنها اساساً خواستار حفظ نظام سرمایه داری وابسته بودند و تنها به یک سری اصلاحات در چهار چوب این نظام دست زدند . آنها حاضر نشدند قراردادهای مهم اقتصادی (نظیر قراردادهای

● پس از قیام "دولت" و "شورای انقلاب" دست در دست هم ، نه فقط نتوانستند به خواست های اساسی توده ها که شهدای بی شماری را در راه کسب آن داده بودند ، پاسخ دهند ، بلکه در مقابل این خواست ها با تمام قوا ایستادند .

نفت) و نظامی (نظیر قراردادهای دوجانبه ایران و آمریکا) را در معرض قضاوت توده ها قرار دهند . امپریالیسم بی شرمانه به "فطور" بودن قراردادهای وقت زیادی که مطالعه آنها میگیرد ! اشاره کرد و بزدی از "مفید بودن" برخی از قراردادهای سخن گفت . آنها نه فقط حاضر نشدند دیناری خسارت از امپریالیست ها مطالبه کنند بلکه به آنها خسارت نیز پرداخت نمودند ، بازرگان ایمن نخست وزیر محبوب آیت الله خمینی از پرداخت سرمایه های به اصطلاح ملی شده امپریالیست ها حرف زد و آنرا مفید به حال ایران نامید .

بدین ترتیب "دولت" و "شورای انقلاب" دست در دست هم نه فقط نتوانستند و نتوانستند به خواست های اساسی توده ها که شهدای بی شماری را در راه کسب آن داده بودند پاسخ دهند بلکه در مقابل این خواست ها با تمام قوا ایستادند و کمونیست ها این بیگیرترین نیروی ضد امپریالیست را که بر همین خواست های انقلابی توده ها پای میفشردند مورد تهاجم و سرکوب قرار داده و آنرا "ضد - انقلاب" قلمداد نمودند . اما هیئت حاکمه در صدر و صله پینه کردن سیستمی بود که عمیقاً شکاف برداشته و گندیده بود و این گندیدگی که ریشه در وابستگی این سیستم به امپریالیسم داشت خود موجز بحرانی بود که در مقطعی از حرکت خود ، شاه و سلطنت را فرو بزمید و باز همچنان ادامه یافت ، چرا که سیستم گندیده همچنان با برجا مانده بود .

ادامه بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه و ناتوانی هیئت حاکمه از مهار کردن آن ، تأثیرات مستقیم این بحران بر زندگی و معیشت توده های تحت - ستم ، بیش از پیش بحران سیاسی جامعه را دامن میزد و توده ها را در مسیر اعتلای مبارزاتی نوینی قرار میداد .

خواست توده ها و به اعتبار آن حرکات اعتراضی و مبارزاتی آنها نه تنها فروکش نمی کرد بلکه بیشتر اوج می گرفت و در این میان جنبش کارگری و بخصوص جنبش ملی خلقها ، دم به دم گسترش یافته و به مراحل جدیدی از اعتلای انقلابی دست می یافت . هیئت حاکمه از هر سو تحت فشار قرار می گرفت . به همین لحاظ برای خروج از این بن بست ، در شهر پیورماه هجوم همه جانبه ای را بر علیه خلق کرد ، حریف آزادیهای بدست آمده از قیام توده ها و بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیست تدارک دید . با این امیدواری و خیال باطل که توده های نا آگاه را برای همیشه بدنبال خود دارد و خواهد توانست با چنین تهاجم و سرکوبی خود را از بحران نجات دهد ، اما چنین سیاستی نه فقط نتوانست هیئت حاکم را از بحران نجات دهد ، بلکه بر عمق بحران نیز افزود ، شکست راه حل نظامی در کردستان ، اوجگیری جنبش بیکاران (که بنا به گفته عناصر هشدار رزیم ، روزانه ۲۵۰۰ نفر بر تعداد آنها افزوده میشود !) ، گسترش جنبش دانش آموزان ، اوجگیری جنبش کارگری و ... همه و همه پشت رزیم حاکم را می لرزاند و شکافهای درونی آن را افزونتر می کرد . توده ها در تجربه زندگی خود و به یاری افشگری وسیع نیروهای راستین انقلابی و کمونیست ، بیش از پیش به ما هیت عملکردها و سیاست های ضد انقلابی هیئت حاکمه پی بردند ، ارتجاع به سرعت دسراشیبی انفراد قرار گرفت و از صدای ترک برداشتن سقف سیستم حاکمه به وحشت افتاد .

بقیه در صفحه بعد

بقیه از صفحه قبل
 نابود نکردند. ما تمام این سرگین پادشا-
 هی را پاک کردیم طوری پاک کردیم که
 هیچکس در گذشته چنین نگرفته بود. از آن
 سنای کهن یعنی سیستم امتیازات - اجتماعی
 ما نه یک سنگ، و نه یک آجر باقی-
 نگذاشتیم. (حتی پیشرفته ترین کشورها مانند
 بریتانیا، فرانسه و آلمان بقایای این
 سیستم را تا به امروز کاملاً ملغی نکرده -
 اند) ما ریشه های عمیق سیستم امتیازات
 - اجتماعی، یعنی بقایای فئودالیسم و
 سرواژه را در نظام زمینداری تا به آخر
 ریشه کن کردیم. "برخی افراد ممکنست"
 در باره نتایج فرم ارضی "دردرازدست"
 که توسط انقلاب اکتربر عملی شده، مجادله
 کنند. (قلم زنه ای زیادی چون کادتها،
 منتوبکها و سوبال رولوسوینرهای غارچ
 چنین استدلالهایی را رواج می دهند.) ما
 اکنون میل نداریم وقت را برای چنین
 مشاجراتی هدر بدهیم، چه ما این امر و
 همچنین انبوه مشاجراتی را که همراه است
 با مبارزه دشمنین می کنیم. اما این
 واقعیت را نمی توان انکار کرد که دمکرات
 های خرد بورژوا با زمینداران - پاداران
 سنتهای سرواژه - به مدت هشت ماه - شش
 کردند، حال آنکه ما زمینداران و جمیع
 سنتهای را در عرض چند هفته از خاک رومی
 جارو کردیم. مذهب، با نفی حقوق زنان،
 با ستم و نابرابری ملیتهای غیر روس را در
 نظر بگیرد. اینها مسائل انقلاب بورژوا -
 دمکراتیک هستند. دمکراتهای خرد بورژوا
 مبتذل هشت ماه در باره آنها حرف زدند.
 حتی برای نمونه در هیچیک از پیشرفته ترین
 کشورهای جهان این مسائل در محدوده بورژوا
 - دمکراتیک کاملاً حل نشده است. این
 مسائل در کشور ما با قانون گذاری انقلاب
 اکتربر کاملاً حل شده است. ما مجدانه علیه
 مذهب مبارزه کرده و می کنیم. ما به تمامی
 ملیتهای غیر روس جمهوریها با مناطق
 خودمختار خودشان را واگذار کرده ایم. در
 روسیه دیگر با انکار ردیبلانه و پست و شنیع
 حقوق زنان با عدم برابری جنسها، این
 پس مانده نفرت انگیز فئودالیسم و قرون
 وسطی، که بوسیله بورژوازی حریفی و
 خرد بورژوازی تنگ نظر و جیون که در هر
 کشور دیگر در جهان بدون استثنا جان گرفته
 است، مواجه نیستیم.

(ادامه دارد)



بقیه از صفحه قبل بیا نینیه سا زمان ...
 شکست مفتضانه انتخابات شوراهای شهر که در آن تنها ۸ تا ۱۰ درصد مردمی که
 می توانستند رأی بدهند شرکت کردند، بی علائقی و سپس نفرت توده ها نسبت به
 "مجلس خبرگان" و خیمه شب بازی درون آن و ... همه و همه نشان دادند که
 چگونه توهم توده ها به سرعت در حال فرو ریختن است و همراه با این، حرکات
 زحمتکشان و توده های فقیر شهری برای اشغال خانه های مسکونی خالی سرمایه
 داران، معادله، زمین های زمین داران، اشغال هتل ها توسط دانشجویان
 مبارز، جنبش حق طلبانه و انقلابی صیادان بندر انزلی و ... نشان می داد
 که توده ها چگونه به ابتکار عمل خویش قوانین رژیم راز برپا می گذارند و برای
 بدست گرفتن مقدرات خود بدست خویش بپا می خیزند. و اینها همه در حالی است
 که وضعیت اقتصادی رژیم روز بروز به سمت ورشکستگی و بحران بیشتر فرو می رود
 و هیچ چاره ای برای درمان آن نمی یابد.

هیئت حاکمه هر روز بیشتر از روز پیش زیر پای خود را خالی می دید و با
 هراقدام و حرکت جدید خود، این فضای خالی را عمیقتر می کرد. این بحران
 سراسری جامعه، بدون شک تأثیرات خود را بطور مستقیم در رشد تفاو و تناقضات
 درونی هیئت حاکمه نیز باقی می گذاشت و بیش از پیش بر آنها دامن می زد.
 منازعه سرس "نزبه" در شرکت نفت، افتتاح وزارت بازرگانی و دعوی بر سر آن
 میان دوجناح هیئت حاکمه، حملات و تشا جماعت روحانیت صاحب قدرت و عناصر
 وابسته به آن، به دولت بازرگان و ... در تظاهرات و میتینگ ها و ... همه و همه
 تحلیلات بارز چنین اختلافات و شکافهای درون هیئت حاکمه بود.

دولت بازرگان در طی این مدت با ترمیم و بازسازی سیستم سرمایه داری
 وابسته و سرکوب جنبش خلقها "پاسخ" خود را به بحران جامعه و خواسته های توده ای
 داده و به اندازه کافی رسوا شده بود و دیگر چیزی در چنته نداشت. این پاسخ
 ها دیگر نمی توانست و نمی تواند برای رژیم، کار سازی لازم را داشته باشد.

جناح دیگر رژیم، یعنی روحانیون صاحب نفوذ و قدرت و همدستان آنها که
 طی یکی دو ماه اخیر در پاشگوشی به این بحران کوشیدند تا با حرکات فکری از
 قبیل تشکیل تظاهرات "وحدت امام با امت" قدرت را فول پاینده را از سقوط
 نجات دهند، اینبار در یافتند که باید به اقدام "قاطع" تری دست زنند. آنها
 دریافتند که آبروی برپا درفته، هیئت حاکمه را با یک میتینگ و تظاهرات و ...
 نمی توان باز یافت. رفرا اندوم قانون اساسی و انتخاب رئیس جمهور در پیش
 بود و نمی بایست اجازه داد که سرنوش شکست آلود انتخابات شورای شهرها
 در اینجا نیز، اینبار با دامنه بیشتری، حاکم شود.

● تردیدی نیست شاه خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در
 دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز
 از خواسته های ضدامپریالیستی توده های مردم است.

تفسیر و تحولات درونی هیئت حاکمه و حرکت اخیر "شورای انقلاب" و
 "خمینی" در هماهنگی با بخش ناچیزی از خواسته های ضدامپریالیستی خلق ما، در
 متن چنین شرایطی معنای واقعی خود را بازمی یابد و در حقیقت پاسخ این بخش
 از هیئت حاکمه به بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه، فشار ناشی از مبارزات
 اوگیر و گسترش یافته، توده ها و شکافها و تناقضات درونی هیئت حاکمه است.
 اما اینها که امروز چتر خویش را بر مبارزات ضدامپریالیستی توده ها گسترده اند
 و می کوشند تا با بهره گیری از آن اقتدار روبه افول خویش را باز یابند، مسلماً
 خواهند کوشید تا این مبارزه، توده ای را نیز در جهت تثبیت حاکمیت خویش، به
 انحراف بکشانند و با حداقل در مجاری فرعی و انحرافی دچار بن بست نمایند.
 اینها می کوشند تا استرداد شاه خائن و حاکمه و اعدام او را که فقط بخشی
 بسیار کوچکی از خواسته های انقلابی توده ها است در محور مبارزات و خواسته های
 ضدامپریالیستی توده ها قلمداد نمایند. تردیدی نیست شاه خائن را باید باز -
 گرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما
 این فقط جزئی ناچیز از خواسته های ضدامپریالیستی توده های مردم است.

خواست های اساسی توده های تحت ستم ما، نابودی سیستم سرمایه داری
 وابسته ای است که با هزاران بند به امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم
 بقیه در صفحه ۱۹

"نگاهی به کارنامه استاندار خوزستان"

مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند؟

بزند. هرکس که زیرساخت‌های اقتصادی را احداث کند. بمردم ایران خیانت کرده‌است. زیرا با خودمختاری ایران قطعه قطعه می‌شود. (پیغام امروز، ۱۴ خردادماه ۵۸)

سورژوای ایران نیک میدانند که برای غارت و جباول خلفها باید حکومتی مطلقه و متمرکز داشته باشد. حکومتی که با اعمال ستم دوگانه برخلفها با زار و دردست سورژوای ملت حاکم (فارس) قرار می‌دهد. اما چون خودمختاری در مقابل این میل و حرص سورژوای

بمعنوان نمونه ذکر می‌کنیم. فرمانده نیروی دریائی در پاسخ خبرنگاری که می‌پرسد، آیا ایران به شیخ نشینان خلیج فارس که مسوود تهدید کمونیست‌ها هستند کمک خواهد کرد؟ می‌گوید: "ما کوشش خواهیم کرد که در امور سایر کشورها مداخله نکنیم، اما اگر مردمی که نمی‌توانند از خود دفاع کنند ما طلب کمک کنیم".

این وظیفه ما است که به آنها کمک کنیم. (تاکید از ما است، آندگان ۴ شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه ۵۸).

"مرگ برمدنی" این شعار از جمله شعارهایی است که اینروزها برادر و دیوار شهرهای خوزستان دیده می‌شود! براساس مدنی کیست؟ چرا تا این حد مورد تنفر مردم آگاه جنوب است. مدنی که اینروزها عکسهای ریز و درشت او را بر دیوار شهر می‌بینیم و از او بعنوان سرباز دیرین "انقلاب" و امید آینده ایران! یاد می‌گردد و تیمسار بودنش را زیر سربوش بعنوان دکتر مخفی می‌کنند (سپهر حال مردم مایک دکتر را بهتر از یک تیمساری بدبخت و بر "بد" بودن او تاکید می‌ورزند، عضو هیئت ملی و از هیئت لکهای بختیار رنوبری اختیار روسی چون و چرا آمریکا می‌باشد. بیجهت نیست که تیمسار مدنی در محاسبات با روزنامه "لوموند" دفاع از بختیار را نشان دهد که امروز سرپرست بختیار به ما با لیم آمریکا کاملاً روشن شده می‌باشد. از سبب چگونگی "بختیار مدنی" صادق و لایق بود اما محاسباتی بزرگی مرتکب شد. باید به او اجازه داده شود که بعنوان یک شهروند ساده ایران، بازگردد. (آندگان شنبه ۶ مردادماه ۵۸)

از دید تیمسار مدنی، بختیار صادق است! اما نسبت به کی؟ سیر و قایم خیلی زود ما یک از چهره دریا سالار کند! و اجازه نداد که جناب تیمسار برای مدت درازی در پوستین شبان باقی بماند! مدنی: هرکس که زیر سند خودمختاری را امضاء کند، بمردم ایران خیانت کرده‌است.

از دید تیمسار مدنی، بختیار صادق است! اما نسبت به کی؟

ملیت حاکم قراردادها را منع از تشکیل حکومت مطلقه و دیکتاتوری می‌کرده‌است که می‌بینیم برای فرمانده نیروی دریائی که شاد کنون با عملکردهایش نشان داده او بی‌دیگری است که میخواهد همچنان با کشتار و سرکوب خلق، اما در لباس مردم دوستی و وطنخواهی و زیر لوای مبارزه با انقلاب و افراد وابسته به بیگانه، صنایع سرمایه‌داران وابسته و امیر-بانیست‌ها را تشنه کند، شعوراً اعمال قدرت شده‌ها (۲) از طریق خودمختاری، دیوانه - کننده و کمیته‌نوازانه آن حمله می‌کند.

آری، شاه، خائن نیز با همین منطق کمکی را می‌تواند زیر سربوش مبارزه با "فئودال کمونیست" ها "یوگه مدنیال" کمک طلبد "دولت ارتجاعی" عمان به اتحاد لشکر کشی کرد و مردم مسارژان را مان را خاک و خون کشید. جالب اینجاست که مدنی، پس از ما حمله و قتل می‌بیند، بد - جوری پنهان به آب افتاده، معاصیه دیگری با خبرنگار کشته‌اش ترس می‌دهد و طی آن از فلسطینی‌ها پشتیبانی میکند، اما دیگر دیر شده بود.

نسبت به خلفای ایران با امیربالیسم آمریکا؟ نگاهی به عملکردهای بختیار پاسخ این سوال را مشخص می‌کند.

تیمسار مدنی در کاسینه رزگان و وزیر دفاع شد، ولی دوماه بعد استعفا کرد و بلافاصله به استانداری خوزستان و فرماندهی نیروی دریائی منصوب شد. و حکمروای مهمتین استان از نظر اقتصادی و موقعیت جغرافیائی گردید.

ما برای آنکه این جلاد خلق عرب را بهتر و مشخص تر معرفی کنیم، در صفحات آینده به تشریح گوشه‌هایی از عملکردهای وی خواهیم پرداخت.

مدنی در آغاز کار بسیار رکوشید با عوام فریبی خود را عنصری انقلابی و ملی جا بزند و در این زمینه تا اندازه‌ای هم موفق شد، به طوریکه پس از استعفایش از وزارت دفاع تعدادی از پرسنل نیروی دریائی که نسبت تا سیر عوام فریبی‌های او قرار گرفته بودند ضمن یک راهبیمائی اعتراضی خواستار افشای مثنی استعفا مدنی از سمت وزارت دفاع شدند.

مدنی همواره کوشیده است حق خود - مختاری خلفها را (که عارضت ارجل مسئله ارضی و آزادی در برنا مهریزی زندگی اقتصادی، سیاسی و... بر اساس ضرورتها و نیازهای ملی و محلی خویش در چهار چوب ایرانی مستقل و آزاد) آگاهانه و خواستارانه و رونه جلوه دهد و آنرا "تجزیه طلبی" معرفی کند تا بهتر بتواند با تحریک افکار عمومی علیه خلق عرب، زمینه را برای کشتار و سرکوب و حشانه آنها آماده سازد.

الف - مدنی و مسئله خودمختاری خلق عرب

مدنی ما مانند دیگر رهبران لکهای پیش و هر فرصتی به مسئله خودمختاری که یکی از مهم ترین خواسته‌های خلقهای ایران و از جمله خلق عرب است حمله میکند و بدین ترتیب پیش از پیش ما هشت را بنمایش می‌گذارد. به گوشه‌هایی از نظراتش در زمینه خودمختاری توجه کنید:

اما سیر و قایم خیلی زود ما یک از چهره دریا سالار کند! و اجازه نداد که جناب تیمسار برای مدت درازی در پوستین شبان باقی بماند! اگرچه ما هبت مدنی از همان ماههای اول استانداریش، از لایبای معاصیه‌هایی که انجام داد تا اندازه‌ای مشخص شد، ولی عمل - کردهای فاشیستی وی در خوزستان و نقشش در کشتار و سرکوب خلق عرب دستش را حسابی رو کرد و نشان داد که این بار دیرینه بختیار خائن، ادامه دهنده همان راهی است که او نتوانسته بود دنبال کند.

وی در این مورد به هیئت تحقیقی که به منظور بررسی وقایع خوزستان به آن استان رفته بود اظهار می‌دارد: "در خوزستان یک میلیون عرب ایرانی زندگی می‌کنند و تقیه که اکثریت را تشکیل می‌دهند، فارس هستند. کل خوزستان برای ما مطرح است. من خود مختاری را اعلام می‌پذیرم." (آندگان ۱۶ خردادماه ۵۸).

زیر قیسمتی از معاصیه‌ای را که اینان در ماههای اول استانداریشان انجام داده‌اند

مدنی در معاصیه‌ای دیگر در مورد خود مختاری می‌گوید: "اصولاً خودمختاری مثل شمیردوتم است، که مدت شش در خدمت امیر - بالیم سگار می‌رود. مدنی که در جنگ - مال امیربالیسم است، نباید از خود مختاری حرف

(۱) - بادمان هست که وقتی "فرح" زن شاه خائن همه تیرهایش در فریب توده‌ها سبک خورد، "سید" بودن خود را علم کرد و آنرا بر حشانه نمود.

(۲) - بدیهی است وقتی محنت از اعمال قدرت توده‌ها می‌کیم، به بهایبالیست‌ها می‌چون شیر خا قانی و با کاسانی که وجودشان اساساً بر این ماسیوبالیستی تکیه نه‌است، بلکه تنها و تنها به طیفه کارگری توده‌ها، ما همان طوری که با رها گفته‌ایم مدام پیگیر حق تعیین سرنوشت برای خلقها هستیم و معتقدیم که این حق تنها در جمهوری دموکراتیک خلق است که تحقق خواهد پذیرفت.

بقیه از صفحه ۱۶

معتبری داد و در سرفول و قرارهای او با کارگران میرنگه هشت جا کده را رداده و بیمانی های نظامی و غیر نظامی شاه شاه را با ارباب استنها را معتبرداسته و به آنها و نادر است!!

اما آنچه که در رابطه با رزات کارگران بیمانی صنعت نفت قابل تا مل است ، عدم هماهنگی ، نبودن وحدت عمل در امر پیشبرد مبارزه با طراشدائی ترسین حقوق خویش یعنی رسمی شدن می باشد ، که بدون آن رسیدن به این خواسته یی امکان پذیر نخواهد بود . در این باره گذشته از عوامل عینی این نسا - هماهنگی ، عدم سوده سوز آگاهی ، کم کساری کمونیست ها در میان این بخش از کارگران بطور مشخص اشاره کرد .

تجربیات ، همکاری و یختسانی کارگران رسمی صنعت نفت در دست یابی رفائی کارگر بیمانی بداندائی ترسین خواستنان در حدود می تواند مفید باشد .

راه پیمانی کارگران بیکار رشت

صبح روز چهارشنبه ۵۸/۸/۹ حدود ۱۵۰ نفر از کارگران بیکار رشت ، مقابل اداره نیروی انسانی اجتماع نموده و سپس با شعارهای "کار ، کار ، حق سلم ماست" ، "مرگ بر سرمایه دار عامل بیکاری" ، "جنگیدیم خون دادیم ، چرا هنوز بیکاریم" و ... دست به راهپیمائی زدند .

تظاهر کنندگان بلاکاردائی با مضمون "مرگ بر سرمایه دار عامل بیکاری" ، "شما فقط بیکاری را می شنوید اما ما با تمام پوست و گوشت خود درد بیکاری را حس میکنیم" زحمتکشان بداندی ما بدون پشتیبانی شما نمی توانیم از بیکاری ، گرسنگی و گرانی رهایی یابیم " و ... با خود حمل میکردند . یکی از کارگران برای رفقای بیکار ش سخنرانی کرد که مضمون سخنانش چنین بود : "معاون استانداری به ما کارگران بیکار قول داده که حدود ۵۰۰ نفر از ما را تا امروز به سر کار بفرستد ولی حرفش عملی نشده است . در حالیکه ما میدانیم یکی از مشکلات اساسی ما بیکاری است . این دولت به اصطلاح انقلابی هیچگونه اقدامی برای رفع بیکاری ننموده . بعد از قیام تعداد معدودی از کارگران سر کار رفته اند ، مثلاً در کارخانه پوشاک که گنجایش ۶۰۰ نفر کارگر دارد در حدود ۲۰۰ نفر کارگر کار میکنند . این دولت هنوز قانون منع استخدام کشوری را در کارخانه ها و اداره ها لغو نکرده ، استاندار نیز به ما کارهایی از قبیل "خلال گر" و "غذ انقلابی" میزد ولی حالا برای ما کارگران روشن شد که اینجا خود مرنسج و دشمن خونین ما کارگران میباشد ... "مقا - مات" دولت انقلابی " در رشت به خواسته برحق کارگران شریف و زحمتکش هیچگونه پاسخی ندادند و این تعب و آزر نیست ، چرا که از دولت حامی سرمایه داران و زمین داران نمی توان انتظار دیگری داشت .

و بیکنا توری وی را محدود میکنند شدت نفرت دارد ، از این رو با راهها برای سرکوب شوراهای کارگران مبارزه اعمال مختلف دست زده است ، از جمله اینکه ما می کارگران مبارز را تشبه و با مدارک و اواک مطابقت داده بودند تا بدینا بدست آوردن مدارکی ، مانع فعالیت انقلابی آنان گردد !

وقتی "شورای کارکنان شرکت سدکو - سد ایران" چندتن از عوامل رژیم پیشین و مهره های امپریالیسم را از شرکت اخراج نمودند ضمن بحثنا می "شورای اسلامی کارکنان سدکو - سد ایران" را منحل شده اعلام کرد و از سوپرست عملیات شرکت خواست که تا نیکه - با این شورا همکاری میکنند و از این طریق در امور شرکت "دخالت" میکنند ، ما نام و مشخصات - استناداری معرفی کند . عین بحثنا مه راد ر زیرملاحظه میکنند .

ادامه دارد

ب - مدنی و عملکردهای

ضد کارگری

کارگران آگاه خوزستانی با عملکردهای این عنصر فخلق و ضد کارگری خوبی آشنا شای دارند . در چند ماه اخیر مدنی چهره "عدکا رگریش را بخوبی نشان داده است . او هر جا که توانست اعتمادات و اعتراضهای کارگران و زحمتکشان را با سرکوب و خشونت پاسخ گفت . وی حتی در مواردیکه کارگران با نمایندگان کارفرما در حال رسیدن به توافق بودند ، از کارگران میخواست که مسببین اعتماد را معرفی نمایند . و با این کار خشم و نفرت کارگران را برمی انگیزد . وی دیوانه وار می کوشد که هر اعتماد با و اعتراضی را ، بجایی و با کسانیی نسبت دهد تا سرکوب آن آسانتر باشد .

همانطور که قبلاً گفته شد مدنی از اعمال حاکمیت توده ها که تنوعی دامنه افکار گسیختگی

استاندار خوزستان

سرپرستی عملیات شرکت سد کو ایران

بموجب سوابق موجود در استناداری شورائی در آن شرکت تشکیل یافته بنام شورای اسلامی کارکنان سد کو ایران که این شورا در امور شرکت دخالتشائی متعاید تا آنجا که حتی اقدام به اخراج پاره های از کارکنان میکند .

چون در اجرای امر امام باید بتدریج مسئولان و مدیران تمام سازمانهای دولتی و کارخانجات و مؤسسات مسئولیتبای خود را عهد و دار شده و از اختیارات خود برای اداره هر چه بهتر کارخانجات و مؤسسات استفاده نمایند و افراد غیر مسئول در جریان کارها حق دخالت و تعمیم گیری نداشته باشند ارایجهت برای اینکه امور در آن شرکت روال عادیی داشته باشد و از دخالت افراد و سازمانهای غیر مسئول در امور شرکت جلوگیری بعمل آمد باشد . بدینوسیله انحلال شورائی که در آن شرکت تشکیل یافته بود اعلام میگردد و از این تاریخ هیچکس تحت هیچ نام و هیچ عنوان به اسم شورا حق دخالت در امور شرکت را ندارد .

خواهشمند است مراتب را به افرادیکه بنام شورای اسلامی کارکنان سد کو ایران در امور شرکت دخالت میکردند ابلاغ و هرگاه از این تاریخ این دخالت ادامه یافت چگونگی را به استناداری اعلام و این قبیل افراد را بنام معرفی فرمائید .

دکتر سید احمد مدنی

استاندار خوزستان

۳۵۹۱۴
۱۳۵۸/۲/۱۷

نگاهی به قانون اساسی محصول مجلس خبرگان (۵)

بکشند و از آن میان به یکی از آن مذاهب مومنت و جایگاهی ویژه به بخشند، و تازه مهر "الی الاید غیر قابل تغییر است" بر آن بکوبند، بدان علت است که "قشر منار روحانیت" را در مسند "ممتازی" که به بدست آورده است تثبیت کنند، و با چفت و بست های متعددی که در سراپای قانون اساسی کار گذاشته اند با منحصار خود در آورند. در اینجا مسئله اساسی همان قدرت سیاسی است که توجیهات مذهبی و متمسک به اکثریت داشتن این یا آن فرقه، و متمسک به قرارداد داشتن تنها به مثابه وسیله ای به منظور حفظ هر چه مطمئن تر این قدرت بکار گرفته میشود. در واقع اصل یازدهم قانون اساسی چیزی جز یکی از همین چفت و بست های متعدد نمی باشد.

ادامه دارد

در شماره های گذشته "پیکار" به بررسی از موصات مجلس "خبرگان" پرداختیم و نشان دادیم که اصولی که بعنوان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حال تدوین است تا چه حد از خواسته های اساسی بوده ها فاصله دارد، خواسته هایی که انقلاب خونین ایران فی الواقع برپایه آنها شکل گرفت اکنون نیز در دنبال بحث خود به بررسی و ارزیابی کار "خبرگان" ادامه میدهم:

- اصل یازدهم -

"دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الاید غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، وحنسلی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب آزادند در انجام مراسم مذهبی خود طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن رسمیت دارند و در هر مسئله که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند مقررات محلی در حدود اختیارات شوراهای بر طبق آن مذهب خواهد بود با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب."

همانطور که ملاحظه میشود دین رسمی جعفری اثنی عشری است که "الی الاید غیر قابل تغییر است" و رسمیت دیگر مذاهب را تنها به "تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی" محدود کرده است. این امر آنگاه اهمیت بیشتری می باید که در نظر داشته باشیم بسیاری از خلیفهای غیر فارسی (کرد، بلوچ، ترکمن، عرب) از مسلمانان غیر شیعه می باشند (حدود ۱۱ میلیون نفر) با توجه باینکه رژیم کمونی سیاست نفی حقوق ملی خلیفها را در پیش گرفته است، تمویب چنین قانونی کاملاً ابعاد سیاسی به خود میگردد. شش در مجلس "خبرگان" به هنگام بحث سیرامون این اصل و بدنبال آن نظرات گسترده مردم در زاهدان، که علیرغم مخالفت با مصطلح نمایندگی در مجلس صورت گرفت، بسیار این امر است. این در حالی است که حضرات "خبرگان" خود گاه و بیگاه ناله و فغان بر میدهند که گویا این "عمال بیگانگان" هستند که به اختلاف "شیعه و سنی" دامن میزنند! بدین سان اس "رطب خوردگان" که "منع رطب" میکنند، از این طریق میکوشند بر انحصار طلبی و کوشه نگری خود پرده سارافکنند. انحصار طلبانی که میخواهند حاکمیت باد آورده خود را که برپایه سو، استفاده از اعتقادات بوده ها کسب کرده اند، با قیود اینکه "این اصل الی الاید غیر قابل تغییر است" جاودانه کنند. آیت اله خمینی در

- اصل سیزدهم -

"خبرگان" اصل سیزدهم قانون اساسی را که حقوق دیگر اقلیت های مذهبی را نادیده میگردد شرح زیر تمویب رساندند: "ایرانیان زرتشتی - کلیسائی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته میشوند که در حدود مقررات اسلامی در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می کنند."

این اصل علیرغم مخالفت های "نمایندگان" پیروان این مذاهب، به تمویب رسید. "خبرگان" با بی توجهی ورد پیشنهاد های که از طرف "نمایندگان" آن مذاهب داده شد، مهر تائید بر اعلی گذاشتند که حتی انجام مراسم دینی شان را نیز "در حد و مقررات اسلامی" حایز دانسته است! اتخاذ چنین رویهای تنگ نظرانانه از سوی هیات حاکمه و "خبرگان" تنها در این زمینه خلاصه نمیشود. بلکه گوشه ای از سیاست واحدی است که در تمامی زمینه ها عمل میکند.

روش کمونیستها در مقابل مذهب

روش کمونیستها در مقابل مذهب کاملاً روشن است. ما هرگونه تقسیم بندی و تبعیض بین افراد را بر مبنای مذهب بکلی مردود میدانیم. ما جداً به این گفته لنین آموزگار طبقه کارگر معتقدیم که میگوید: همه - کس باید مطلقاً آزاد باشد تا به هر مذهبی که مایل است، با هرگونه مذهب، یعنی خدانشناسی که هر سوسالیستی بعنوان یک قاعده چنین است، متعلق باشد. اینکه "خبرگان" کوشیده اند که خط تمایزی بین ادیان و مذاهب گوناگون

دستگیری بغاظر پخش اعلامیه

ساعت ۱۰ صبح روز جمعه ۱۱ آبان، شولی شهرداری تهران به دعوت "انجمن اسلامی جنوب تهران" برای سخنرانی به کوچه "شادی" واقع در خیابان شهید هرندي (فا سابق) میروند. در اثنای سخنرانی چند نفر از حاضران متوجه میشوند که افراد کمیته - که به تگهائی محل مشغول بودند - چند نفر را بجرم پخش اعلامیه دستگیر کرده و به کمیته برده اند. (ه) پس از پایان سخنرانی، اهالی که از این موضوع باخبر میشوند، با شعار بطرف کمیته میروند. می افتند. شعارها عبارت بودند از: برادر زندانی آزاد باید گردد، "مرگ بر سه مفسدین: ساواک، سیا، مرتجعین"، "مرگ بر ارتجاع" و ...

نظاره کنندگان پس از رسیدن به محل کمیته در مقابل آن اجتماع کرده و دوباره شروع به شعار دادن میکنند. در اینجایی از باسداران به مردم حمله ور شده و دیگری شروع به تیراندازی هوایی میکند. مردم ابتدا عقب می نشینند ولی دوباره جمع شده، شعار میدهند که بالاخره کمیته چی ها در اثر فشار مردم، مجبور به آزادی دستگیر شدگان میگرددند.

■ فعلاً نیز اعلامیه هایی به امضای "عده ای از اهالی دروازه غار" در منطقه پخش شده بود که مضمون آن افشاکری در باره "شوان محمد خوش جان" رئیس کمیته حاجی هرندي سرپرست کمیته بوده و از جمله گفته شده بود که وقتی ما موران کمیته میدان غار سلاحهای محاربین خلق را ضبط کردند، مقدار زیادی از اسلحه های سکر را به فروش رسانده اند.

فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع زحمتکشان باشد

مصاحبه با يك صياد مبارز بندرانزلی

● می‌گویند صبر انقلابی! داشته باشید، ۷ ماه است صبر انقلابی میکنم. کلی بدهکارم، قرض کردم خوردم که فردا صیدی بکنم... ولی دیگه بچه من که صبر انقلابی سرش نمیشه.

● درحالیکه ما غیر ازدو پاروویک دونه قایق و چند تور ماهیگیری چیز دیگری نداریم که عده‌ای پاسدار بریزن با اسلحه مارا به رگبار ببندند که در آن صورت انقلاب دیگری صورت خواهد گرفت.

● سندیکای صیادان آزاد باید تشکیل بشه.

بی کتاب و بی قلم. من دیگه مسئول یک خانواده‌ام... اما می‌بینم پاسداران رودر روی ما قرار دارند. درحالیکه ما غیرازدیوار و یک دونه قایق و چند تور ماهیگیری چیز دیگری نداریم که یک عده پاسدار بریزن با اسلحه مارا به رگبار مسلسل ببندند که در آن صورت انقلاب دیگری صورت خواهد گرفت. دولت وام بیکاری که تا حالا به ما نداده، شیلات هم که همون قانون طاعتی رو می‌به رخ ما میکشه، درسمیناری که در مسجد قائمیه داشتیم یکی از برادران ما ۱۰ سوال مطرح کرد که شیلات حتی به یکشون نتونست جواب بده.

س- میتونین بگین سئوالاتی که شد چه بود؟

ج- اولین سئوال این بود که شیلات به چه دلیل و منطقی سالیان دراز ما صیادان زحمتکش را قاچاقچی معرفی کرده درحالیکه تمام ملت ایران میدانند که صیاد نه اسلحه‌ای داره، نه مواد مخدر حمل میکنه و نه اسلحه از کشور خارج وارد میکنه و چرا الان در عصر انقلاب هم داره باز همون کارهایی را میکنه که قبلا هم کردیم. دولت پاسدار از تهران به بندرانزلی آورده و عملاً می‌بینیم که پاسداران می‌ریزند توی خونه بعضی صیادان و حتی توشان را ضبط میکنند مثلاً تور یکی از برادران صیادمان نام "حسین آسوری" از ده "امین آباد" را به اتهام اینکه تور مال شیلاته، ازش گرفته‌اند.

س- غیر از اون خواسته‌هایی که گفتید، چه خواسته دیگری دارید؟

ج- سندیکای صیادان آزاد باید تشکیل بشه و دولت آنرا برسمیت بشناسه که در رابطه با اون ما بتونیم صیادان واقعی را بشناسیم و برای آنها کارت صادر کنیم و شرکت‌های تعاونی بوجود بیاریم که هم وسایل صید و هم احتیاجات دیگر را ارزانتر بخریم.

س- آیا تا بحال به صیادان با قایق‌های آنها تیراندازی شده؟

ج- والله به کلیه قایق‌هایی که مشغول صید باشند، تیراندازی میکنند، هم تودود - خانه و هم تودریا، همین مدتی پیش دست یکی را با تیر زدن و یکی دیگر از برادران صیادمان هم در جالوس شهادت رسید. چند - قایق را هم ضبط کرده‌اند که هنوز در شیلات است.

از این دریا بهره برداری کنیم ولی شیلات فقط ۵ ماهشو آزاد اعلام میکنه که با در نظر گرفتن روزهایی که دریا طوفانی است و نمیشه کار کرد، عملاً میتونیم بگیم که جمعاً سه ماه کار داریم. قانون ۵ ماه صید در سال فائسون محمد رضا شاهه که به زور سریزنه درست شده. اگر دریا نباشه هم خود صیاد مرده است و هم خانواده‌اش. اگر صیاد نتونه دو تا ماهی بگیره بیاره خونه، یا باید از دیوار مردم بالا بره یا باید بره بساط تریاک راه بیندازه و یا به قاجاق هروئین بیردازه. مقامات مسئول باید بیان ببینن که آیا تا سال ۱۳۴۳ صید در دریای خزر آزاد بوده یا نه؟ پس اگر به چنین نتیجه‌ای رسیدن که صید تا آن موقع آزاد بوده دیگر چرا این قانون تحمیلی را باز جلوی ما میذارن؟

س- اگر به خواسته‌های شما ترتیب اثر ندن، شما چکار می‌کنید؟

ج- ما می‌ریزیم تو دریا، ما کارمون فقط صیادیه، نه زمین مزروعی داریم و نه هیچ کار دیگری. من خودم ماهی ۶۰۰ تومان کراپه خانه میدم. میگویند انقلاب شده صبر انقلابی!! داشته باشید، ۷ ماه است صبر انقلابی می‌کنیم، کلی هم بدهکارم، قرض کردم خوردم که فردا صیدی بکنم، بتونم بدهی ام را بدهم، ولی دیگه بچه من که صبر انقلابی سرش نمیشه. اون که نمیتونه هم گرسنه باشه هم



صیادان زحمتکش در تلاش بی‌گهر...

آنچه در زیر میخوانید، متن خلاصه شده - ای از صاحب می باشد:

س- الان چه تعداد صیاد آزاد وجود دارند که هیچ شغل دیگری ندارند؟
ج- از آشنایان تا بندر ترکمن صیاد آزاد خیلی زیاده، حدوداً بیش از ده هزار نفره ولی در مصاحبه‌ای که در رادیو تلویزیون بعمل آوردند، گفتند که صیاد به اون تعداد موجود نیست در صورتیکه در سمیناری که در مسجد قائمیه داشتیم، ۳ تا ۴ هزار نفر آمده بودند، با توجه به اینکه بقیه با اطلاعی نداشتند و با مجلسون دور بود و نتونسته بودند بهمان اینجا.

س- به جد ترتیب صیادها در شرکت تعاونی استعمار میشن؟

ج- صیادها از محل زندگی و کاشا نه خود دور میشن، میرن در سواحل مازندران و گیلان مستقر میشن و شروع به صید میکنند. اگر این صیادها ماهی زیاد گرفتن و صیدشان خوب شد، شیلات در مقابل اون پولی بهشان پرداخت میکنه، اگر (ماهی) نگرفتن، باید گرسنه بجاوند حتی عائله‌شان هم باید گرسنه بجاوند و شیلات هیچگونه کتکی به صیادان نمی‌کند. ما صیادان آزاد ۱۵ سال پارژیم گذشته دست به گریبان بودیم و جنگیدیم. ما صیادان ۱۵ سال انقلاب کردیم و با این ظلم و ستم طاعت جنگیدیم. انقلاب فقط به این نمکن که آدم بره گوشه زندان بجاوه با آدمو تعمدش نکن، ما حون دادیم، ما کشته دادیم، ما الان معلول داریم که دست نداره، با نداره، خانواده‌سی سرپرست داره. ما کشته دادیم، آنقدر کشته دادیم تو این دریا یسنی صیادها غرق می‌شدن - وقتی ژاندارم با اسلحه کنار دریا و می‌ایستاد، صیاد نمی‌تونن بیاد ساحل، در نتیجه قایقش چپ شده همساجا ترق میشد... این شیلات ۱۵ سال به ما ظلم کرد. حتی اون زمان افسری بود که یکی از دوستانو کشت و یای یکی دیگر را برید که الان هیچ امرار معاشش ندارد... از سال ۳۳ (۲۱) شا به این تاریخ همین شیلات تورهای ماهیگیری ما را جمع میکرد و بنام قاچاقچی به آتش می‌کشد، قایقها مونو ضبط می‌کرد و نگه میداشت تا می‌پوسید و از بین میرفت و حتی صیادان را به دادگاه میفرستاد و اونجا صیاد باید میرفت و ۵۰۱ تومان جریمه می‌داد.

س- آیا در حال حاضر شما حاضرید با شرکت تعاونی شیلات همکاری کنید یعنی عضو شرکت بشین؟

ج- ما زمانی حاضر به همکاری در شرکت تعاونی شیلات هستیم که شیلات حقوق ثابت بپا بده، ما رو به استخدا م خودش دربیاره بیمه داشته باشیم، بازتسنگی داشته باشیم، مسکن و بهداشت داشته باشیم. چون هنر و صیدی یک فصل مشخص داره ما میتونیم مرتب

(۱) - اسم این صیاد زحمتکش محفوظ است.
(۲) - صید ماهی تا سال ۱۳۴۳ در دریای خزر آزاد بود.

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی؟ (۲) نقدی بر مواضع چریکهای فدائی خلق

۳- چریکهای فدائی خلق و احزاب بورژوائی

تظا هرنایا پیداری ایدئولوژیک خرده بورژوازی

از آنجا که سازمان چریکهای فدائی خلق تاکنون طی یک مبارزه ایدئولوژیک جدی از موضع پرولتری با خط مشی و تفکر خرده بورژوائی چریکی و بویژه هسته لیبرالی موجود در تفکر و روشی رفیق جزئی که سر حرکت گذشته سازمان ج. ف. خ. اغلب بود مرز بندی قاطع و روشنی ننموده اند. هم اینک علیرغم تغییراتی در نظرات و عملکردها پتان نسبت گذشته، ما شاهد تظا هرنایا پیداری ایدئولوژیک خرده بورژوائی در مواضع و سیاستهای ج. ف. خ. هستیم.

جلوه های این ناپایداری و تزلزل ایدئولوژیک در برخورد به قدرت سیاسی، برخورد به جنبش کارگری و محتوای تبلیغ و ترویج، برخورد به احزاب و سازمانهای بورژوائی و خرده بورژوائی، برخورد به رویزونیسم و سوبال امپریالیسم و... بروز آشکار یافته است.

این برخورد متزلزل و ناپایدار نسبت به مارکسیسم لنینیسم ضرورتاً به مفهوم در خدمت ایدئولوژی بورژوائی قرار گرفتن است. ما در اینجا ابتدا با مروری کلی و بسیار مختصر بر مواضع و نظرات سازمان ج. ف. خ. طی چند سال اخیر پرداخته و جلوه های تداوم عملکرد هسته تفکر و نظرات گذشته را در سیاستها و مواضع کنونی این رفاقت به احزاب و سازمانهای بورژوائی و خرده بورژوائی و... مورد بررسی انتقادی قرار می دهیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق از بدو پیدایش، گرچه خود را مارکسیست - لنینیست می دانست ولی فاقد پیش طیفی پرولتری و برناممونی مارکسیستی لنینیستی بوده است. طی دوران رکود جنبش توده ای این سازمان از اساسی ترین وظایف مارکسیست لنینیستهای منشی ترنیلخ و ترویج سوبال دموکراتیک، پرورش سیاسی و متعاً بزرگ کردن پرو- لتاریا، رتوضیح ما هیت مناسبت طیفان اجتماع برای پرولتاریا و از ترویج ایده های اماسی مارکسیسم - لنینیسم در انقلاب دموکراتیک و... (البته جنبه پرولتاریا را از رزمده تا به آخر استوار آراء دموکراسی و استقلال بوده و تنها در صورتی که بصورتیک طیف متشکل شده و دارای حزب رزمده، خود را بدینوا ندره ی انقلاب دموکراتیک را سمیده گرفته، خبانت بورژوائی و تزلزل خرده بورژوائی را خنثی کرده و انقلاب دموکراتیک را به انقلاب سوبال لیستی تبدیل نماید)، برآزده و حتی جنبش سیاسی را تفرقه در معروف خلق بحساب می آورد. لذا از لحاظ سیاست عملی با محدوس بودن موقعیت طیفان در انقلاب دموکراتیک نادر موضع

پرولتری بلکه در موضع شام خلقی و خرده - بورژوائی قرار داشت. نتیجه این سیاست چیزی جز تبدیل پرولتاریا به خرده بورژوائی و محروم کردن پرولتاریا از ضرورت طبقائی و سیاست مستقل نیست. رفیق سیزن جزئی یکی از شورسینهای خط مشی چریکی که نظراتی بکدوره از حرکت سازمان ج. ف. خ. راه داپت میکرد، در رساله ای تحت عنوان تحلیل موقعیت نیروهای

با بد خود را متعاً بزرگ کرده، ربرافقت اوست که تا لحظه آخر دشمن ثابت قدم و مسلم حکومت مطلقه را اهد بود، فقط پس او حکومت مطلقه است که ملج و مصالحه امکان پذیر نیست. تفاوت دودیدگاه را ببینید! یکی می - گوید که در مبارزه بر مردم حکومت مطلقه پرولتاریا با بد خود را متعاً بزرگ دارد چه فقط او دشمن تا به آخر استوار این حکومت است و دیگری می - خواهد از طریق مبارزه (ناپیکر و متزلزل) خرده بورژوائی، پرولتاریا را به میدان مبارزه

● بدلیل عدم مرز بندی جدی از موضع پرولتری با خط مشی و تفکر خرده - بورژوائی چریکی و بویژه هسته لیبرالی موجود در تفکر و روشی رفیق جزئی، علیرغم تغییراتی در نظرات و عملکردها نسبت به گذشته ما شاهد تظا هرنایا پیداری ایدئولوژیک خرده بورژوائی در ج. ف. خ. هستیم.

بکشاند. لنین می گوید: "مخلوط بودن مفهوم مبارزه خرده بورژو - ازی که هدف آن انقلابی مل دموکراتیک است با مبارزه پرولتاریا که هدف آن انقلاب سوبال لیستی است، سوبال لیستی را به ورنگستگی سیاسی تهدید می نماید." (دو تاکتیک ...)

رفیق جزئی در رساله "چگونه مبارزه مسلحانه توده ای میشود" می گوید: "... روش - فکران سبب آگاهی خود آگاهی بیشتر و داشته و چون جسارتمان برای آغاز حرکت کمک میکند، بهمین دلیل در مرحله فعلی نیروی آماده و بالفعل جنبش مسلحانه را بطور مدد و روش فکران انقلابی (روش فکران با کدام موضع طیفانی؟) که اساساً منشأ طیفانی آنان فترهای با پسینی و میانی خرده بورژوائی است تشکیل می دهد."

مشی مبارزه مسلحانه جدا از توده که قریباً ۸ سال بر سازمان ج. ف. خ. حاکم بود، منطقاً با همین پیش غیر پرولتری "تکسان دادن" پرولتاریا بوسیله نیروهای "بالفعل" جنبش بوده است.

برطبق دیدگاه حاکم بر ج. ف. خ. طی سالهای گذشته عمل مشترک با خرده بورژوائی بمعنی سکوت کامل در قبال ما هیت طیفانی آن می باشد و مبارزه طیفانی با بد مستثنی سر "عرف" و "عواطف منطقی" باشد: "مبارزی که مضمون حرکاتشان سنگ اندازی و بنوطه چینی در راه تشکیل نیروهای وابسته به خرده بورژوائی را دیگال بوده است، خیال کرده اند که با زیربانیان "عرف" موجود (منظور و پیوسته چیزی جز روشهای متقابل سیاسی ایدئولوژیک نیست) و عواطف منطقی (چه مبارزه طیفانی با نزاکتی!!) در روابط پس حاکمهای مختلف حسن خلق می توان سهم پرولتاریا را در جنبش خلق انرا پت داد." (رساله "وظایف اماسی

انقلابی ایران" از انتشارات س. ج. ف. خ. در مورد خرده بورژوائی می گوید: "نه تنها به این دلیل که این نیروها منشی از نیروی خلفند می بایست آنرا به شکل و مبارزه در صفوف حش رهایی بخش در جاح تحت رهبری طبقه کارگر قرار داد، بلکه به این دلیل که این نیروها امروز آماده ترند تا تحول به مبارزه آسبست که با توده های رمنگش را بسیج کرد." (تاکید ارمات). لنین در کتاب وظایف سوبال دموکراتیک روس می نویسد: "پرولتاریا در مبارزه اقتصادی (مبارزه بر علیه سرمایه داران) کاملاً تنها بوده و در آن واحد به اشرف مالک و هم با بورژوائی روبروست و فقط از کمک آن مناصری از خرده بورژوائی برخوردار است (و آنهم نه همیشه بلکه سندر) که سبست پرولتاریا گرایش دارند. و حال آنکه در مبارزه دمو - کراتیک یعنی در مبارزه سیاسی، طبقه کارگر روس تنها نیست. جمیع عناصر مخالف سیاسی، فترهای اهالی و طبقات در ردیف وی قرار می گیرد... طبیعتاً این سوال پیش می آید که طبقه کارگر چه روشی را باید نسبت به این مناصراتا ذنماید؟ و پس آنرا باید برای یک مبارزه عمومی بر ضد حکومت مطلقه، به آنها بیورند؟"

لنین به سوال دوم چنین پاسخ می دهد: "سوال دموکراتها من اینکه به همتگی دستعات گوناگون مخالف حکومت مطلقه با کارگران اشاره می نماید، همواره کار - گران را متعاً بزرگوارند نمود. قسوار - حبه موقتی و مشروط این همتگی را توضیح خواهند داد، همواره محرا بودن طیفانی پرولتاریا را که مراد امکان است در حبه مخالف متفقین امروزی خود قرار گیرد. خاطرنشان خواهند کرد."

و بحث را چنین ادامه می دهد: "در مبارزه بر ضد حکومت مطلقه طبقه کارگر

نوروزی را تا حد دانش یک سیاست لیبرالسی کاهش میدهد. این نمونه نشان میدهد که س.ج. ف.خ. درباره حزب توده هیچگاه از موضع اصولی و مرزبندی قاطعانه با روبرو نیستم که خود مستلزم شناخت سوسیال امپریالیسم شوروی میباشد و صورت نگرفته و به مثنی شما خلاصه میشود است. نشان دادن دیدگاه، برنامه سوسیالیست پرولتری در مواردی س.ج. ف.خ. را بطرح شما برای لیبرالی که بدون شهادت به بعضی مواضع حزب توده نبوده است، نشان داده است. شعار "مرگ بر شاه دیکتاتور و حاکم میان امپریا - لیست" که در واقع مصون اصلی انقلاب دموکراتیک و دما امپریالیستی را معدوم نموده و دیکتاتور شاه را از پایگاه طبقاتی بعضی شوروی و آزادی وابسته امپریالیسم جدا میآورد

● بهنگام اوج گیری جنبش توده‌ای ۵۷ - ۵۶ این سازمان نه تنها برنامۀ پرولتری ارائه نداد، بلکه با حمله به شعار "برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق" و جایگزین کردن آن با شعار خرد بورژواشی "برقرار باد حاکمیت خلق" به دنباله روی از خرد بورژوازی افتاد.

علا همان شعار "جهاد واحد دیکتاتور" حزب توده را تسلیم میکند. سیزن جرنلی در رساله "سیر دیکتاتور" چنین می گوید: "سطح احش حاکم در مرحله ای است از حش رهائش خلق، با شعار اسرار بیک سارزه با دیکتاتور شاه منجم می شود." همان رساله در جای دیگری می گوید: "در حال حاضر طرح گردن شعارهای انقلاب دموکراتیک توده ای میگوید خلق را بر رهبری طبقه کارگر متحد سازد." رساله وظایف اساسی می گوید: "طرح این شعارها بصورت تسلیسی در مرحله کوسی آنها به تشدید ناعدمیان حربهای میرولتری با جنبش کارگری منجر خواهند شد."

(۵) سیاست س.ج. ف.خ. هنگام برآمد جنبش توده‌ای

سیاست دنباله روانه س.ج. ف.خ. تنها به دوران رکود جنبش توده ای که وظیفه سار - کسیت لنیستینها در دوره اول بسیار کردن توده ها بوده است مربوط نمی شود، بلکه به هنگام اوج گیری جنبش توده ای ۵۷ - ۵۶ هنگامیکه شوروی لیبرال آنکارا در مسیر سازش با امپریالیسم و استبداد سلطنتی گام برمی داشت س.ج. ف.خ. نه تنها فعالانه در افشای خیانت پیشگی شوروی لیبرال گام برنمی داشت بلکه خود با عدم ارائه برنامه پرولتری در انقلاب دموکراتیک به دنباله روی از بورژوازی از پرداخت، این سازمان نه تنها برنامه پرولتری ارائه نداد بلکه با حمله به شعار "برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق" و جایگزین کردن آن با شعار خرد بورژواشی "برقرار باد حاکمیت خلق" و با موضع گیری در برابر سوسیالی های که شعار "جمهوری دموکراتیک خلق" را مطرح می ساختند، دنباله روی طبقاتی خود را به کمال رساند. رساله "وظایف اساسی..." می گوید: "طبقه فنی وطنی طرح و تبلیغ

موجود و روابط منطقی در حناهای مختلف خلق را برپا خواهد گذاشت. از نظر چریکهای فدائی اتحاد با نیروهای خرد بورژوازی همیشه به مفهوم سکوت کامل در قبال زلزله و نابیکری خرد بورژوازی و دادن امتیازات ایدئولوژیک بوده است. سکوت کامل چریکهای فدایی در مقابل سازشکاری محادین خلق و نابیکری های چپ خرد بورژوازی در مرحله کوسی نیز نشان دهنده همین انحراف اصولی آنان از موضع مارکسیستی - لنیستینی است.

(۴) س.ج. ف.خ. و رویزیونیستها
در باره نحوه برخورد س.ج. ف.خ. با چریکات رویزیونیستی با گفتگویی می توان انتظار مرزبندی قاطعانه با رویزیونیسم از گمانی را داشت که خود دستخوش

انحرافات اصولی از مارکسیسم - لنیستینها بوده و دچار گرایشات اپوزونیستی و تجدیدنظر طلبانه هستند. صرف نظر کردن از ابده رهبری پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک، مقید داشتن سارزه طبقات به "عرف" و "روابط منطقی" و صرف نظر کردن از شمار بسیار مختلف پرولتری در انقلاب دموکراتیک راه را برای بروز انواع گرایشات رویزیونیستی و سازش با آنها باز میگذارد. مواضع س.ج. ف.خ. در مورد سوسیال امپریالیسم شوروی و حزب توده نشان دهنده زلزله و نابیکاری ایدئولوژیک خرد بورژوازی و سازش با رویزیونیسم می باشد. س.ج. ف.خ. از طرفی رهبری حزب و دولت شوروی را رویزیونیستی می داند و از طرف دیگر شوروی را یک کشور سوسیالیستی قلمداد می کند. اگر رویزیونیسم ایدئولوژی بورژوازی است و اگر رویزیونیسم بیش از دوده است که در حزب و دولت شوروی تسلط یافته و دست راست داخلی نقش نقض تمسین کننده پیدا نموده، چگونه میتوان آن را یک کشور سوسیالیستی بحساب آورد. روشن است که وقتی شوروی را یک کشور سوسیالیستی بحساب آوریم نمی توانیم در مورد احزاب و جریانات وابسته به آن نیز بدید - گاه درستی داشته باشیم. روزنامه گسار ۲۳ ارگان س.ج. ف.خ. درباره حزب توده می گوید: "سواغات موجود در حرکت حزب توده ناشی از مرصط طلبی سیاست با راه توده ها باسی است که با راه سرخ روزی خورند و استی را با "تحریک" و "بخشگی" می گذارد. از این نظر حزب توده ایران، حربی که استخوان بندی آنرا احسن منطقه کاران سره تشکیل میدهد دارای هویت ثابت و افتاده ای است. لذا در هر مورد خاص در آئینده در از دست رفتن می توان دربار - فتکه میا و محور حرکت توده ها به این سیاست لیبرالی است". س.ج. ف.خ. اینچنین خیانت - پیشگی حزب توده و خلاصگی آنرا در جنبش کارگری و وابستگی آن به سوسیال امپریالیسم

مارکسیست - لنیستینها ... "از زمان ج.ف.خ. (۱۰)

رساله "وظایف اساسی مارکسیست - لنیستینها ... در جای دیگری میگوید: "باید بروحدت مافع همه طبقات خلق که در نابودی سلطه امپریالیسم و پیروزی انقلاب دموکراتیک (سارهری کدام طبقه و از چه نوع؟) پیغمته است. راههای همکاری و اتحاد همه طبقات خلق را هموار و هموارتر کرد." (وظایف اساسی... قسمت دوم)

و با درجای دیگر در محمد از خرد بورژوازی می گوید: "خرد بورژوازی صورت سوسیالی می کند که در سارزه امپریالیسم اریا طعیت و بیکری سرخوار است." (همانجا).

و با زده ها بنا " ... بدین سبب برخلاف جوامع کلاسیک (!!) این جنبش با بد مورد توجه خاص کمونیستها قرار گیرد."

چنین است که نشان بخش برنسب پرولتری مثنی چریکهای فدایی خلق راه انواع گرایش های اپوزونیستی (اگرچه حسن نیت در آن نبینفته باشد) آلوده می سازد.

بگفته ای از آلبانفسکی یکی از نظریه پردازان تزارخانی راه رند غیر سارمه داری نگاهای سیکسم و آن را با مجموع نقل قولهایی که از شورسینهای مثنی چریکی نقل کردیم مقایسه کنیم:

"شرکت فخرهای معنی از شوروی ملی در قدرت سیاسی دارای علل مختلفی است. شرکت این فخرها فقط از آن جهت است که این فخرها در اشتلاف با سیروهای دموکرات و ضد امپریالیستی شرکت دارند و در مرحله معین تاریخی به پیشروی در راه ترقی انحصاری ذمعه اند. این فخرها از نظر سیاسی، اید - شولوزیک، سارمائی و اقتصادی از فخرهای دیگر برای زندگی سیاسی نمال و شرکت در حاکمیت سیاسی آماده ترند" (راه رشد غیر - سارمه داری، دومقاله از آلبانفسکی)

و جای شعب است که حتی آلبانفسکی (شورسین اردوی سوسیال امپریالیسم) در چند سطر بعد با یادآوری و نهاد را حاکمیت نمایندگان و روشنفکر خرد بورژواشی را دیکتال مبداء دولتی چریکهای فدایی خلق از قاطعیت و بیکری خرد بورژوازی وطنی سخن میگویند!! در اینجا چریکهای فدایی تنها هم طبقاتی را جایگزین مبارزه طبقاتی کرده و بجای افشای نابیکری و زلزله خرد بورژوازی آن را نیرویی قلمداد میکنند که از قاطعیت و بیکری برخوردار است. اگر رهبری انقلاب دموکراتیک با

خرد بورژوازی را دیکتال باشد، انگالسی ندارد فقط: "اگر گروههای مرفه خرد بورژوازی که دارای دیدگاههای محافظه کارانه و دیکتاتری هستند، رهبری مبارزات را دست گیرند می - نواست (تازه در این هم جای شک هست!!) وحدت سیروهای خلق را دچار انگال (فقط انگال) سازد. (تاکید از ماست، وظایف اساسی...)

از رهبری پرولتاریا سخن هم در میان نیست. افشای زلزله خرد بورژوازی "عرف

این شعارهای بیشتر در عین نود ای نظیر به میران آمادگی و توان و سازمان با فکسی سروهای دجیره آن جداگانه میفرستند و جدا افتادن طراحان این شعارها از پیرویه رشد همیش خلق و جدا فل هرزرفس سروها با تکرار توالی این شعارهاست. (نقل از وظایف اساسی ...) رساله پس با آوردن نقل قولی از لنین که میگوید:

"فقط احزابی که کاملاً جاهل ممکن است جنبه بورژوازی تحول دموکراتیک را که در حال عملی شدن است را بشناسند و در آن فکس حوسبان کاملاً ساده لوح ممکن است این موضوع را براموش کنند که درجه اطلاع نیده کارگران و دهقانان را میسر است و شیوه های اجرای آن هنوز ساده انداز کم است ... " این ایده را تلغین میکنند که شعار جمهوری دموکراتیک مربوط به مرحله انقلاب سوسیالیستی و مرحله ای است که "درجه اطلاع نوده کارگران و دهقانان سوسیالیسم" بالا باشد. این تحریف مفرمانه و آشکاری است. لنین در همان کتاب "دونا کشیک ..." برای انقلاب دموکراتیک روسیه شعار "دیکتاتوری دموکراتیک کارگران و دهقانان" را میدهد و مطالب بالا را در پاسخ آن کسای می گوید که معتقدند این شعار به مرحله انقلاب دموکراتیک ربط ندارد و لنین را به عدم درک "جنبه بورژوازی تحول دموکراتیک" متهم میکنند.

همین برخوردی ج.ف.ج. با انقلاب دموکراتیک نشان میدهد که "میزان با لنین آمادگی و شکل طبقه کارگر" تنها ای سبب است و اصولاً س.ج.ف.ج. در عمل اعتقاد به رجحری پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک ندارد. کمونیست ها صرف نظر کردن از اصول و با سازش ضیقانی نمی توانند آگاهی و شکل پرولتاریا را بالا ببرند، بلکه فقط با طرح شعارهای اصولی خود و ترویج آن در میان پرولتاریا است که میتوانند این کار را بکنند. لنین می گوید: "حال که مردم از دولت مداخله اندوخته به لزوم استقرار نظم جدید پی برده است حری که هدف و منظور خود را سرگون ساختن حکومت مداخله است تا گریز باشد در فکر این است که چگونه حکومتی را احاطه بگیرد حکومت قدیمی که باید سرگون شود است."

پس " (دونا کشیک ...) " نیرویی که قادر است به پیروزی قطعی سر ترارسم نایل گردد فقط ممکن است مردم یعنی پرولتاریا و دهقانان باشند. در مورد سرگنه سروهای اساسی و بزرگ در نظر گرفته شود و مرحله بورژوازی ده و شهر (که ایما را "مردم" هستند) پس این است و آن تقسیم گردد پیروزی قطعی انقلاب سر ترارسم عبارتست از استقرار دیکتاتوری انقلابی: دموکراتیک کارگران و دهقانان (لنین ، همانجا ، تاکید از ماست) .

کسی با لنین ترمی میگوید: "حال آنحال این پیروزی تا چه درجه ای است و طبقه ای است و اینها که در اس مورد ما سبب خود بر مداخله سوسیالیستی سرمتلاشی

سیستم ، ما سبب خود آشکاری عظیم این و شمره را براموش نمی کنیم . ولی وقتی به مبارزه اقدام می نمایم ، باید خواهان پیروزی باشیم و بواسطه راه واقعیتی و مسل به آن راستان دهم " (لنین ، همانجا ، تاکید از ماست) . اگر این سروها کفایت نکرد در این صورت ترارسم موقی به بندوبست خواهد شد ... در چنین صورتی که به مشروطه باقی و سر و دم بریده و باقی - در بدترین حالات - به مصرف مشروطه حتم خواهد شد. (لنین ، همانجا) .

خواهد شد، بلکه لبرالسم موجود در تفکر و سیاست ما زمان همچنان ادامه خواهد یافت . رساله "باح به معماحه" رفیق اشرف - دهقانی" از آجرین انتشارات س.ج.ف.خ. نشان داد که چریکهای مدایی خلق به تنهها درمعد نفی کامل دیدگاه و سیاست غیر پرولتری گذشته خود نیستند بلکه می خواهند با آرایش و شوجه آن جوهر اندیشه های غیر پرولتری گذشته را حفظ کنند. این رساله سبی دارد در من با سخوی به نظرات "رفیق اشرف دهقانی" نا آنجا که امکان دارد حجم بیشتری از گذشته رانجات دهد. رساله ، نظریات رفیق احمد زاده

● **موضع پراگماتیستی س.ج.ف.خ. ، در مورد "دولت موقت" مبنی بر تا شید کارهای درست و اشتقاق از کارهای غلط!!** اما به سیاست دنباله روی و برخورد لیبرالی با مبارزه طبقاتی بوده است .
● **رفقای فدائی در برخورد به نظرات رفیق "اشرف دهقانی" سعی دارند ، حجم بیشتری از گذشته رانجات دهند و نظرات رفیق احمد زاده را مربوط به "یک دوره" و نظرات کنونی سازمان را هم مربوط به "دوره نوین" ارزیابی نمایند .**

لنین وظایف سوبال دموکراتها را در مومست انقلابی، شکا میکه همه طبقات از انقلاب محبت می کنند چنین توصیف میکنند: "آقا با آن آوا به از دسه انقلاب را رسمیت می خاستند تا بدین وسیله با خطر کمتری از این انقلاب سمع خود استفاده نمایند و به آن حیات وررید. وظیفه ما اکنون این است که به پرولتاریا و به تمام مردم نشان دهیم که شعار "انقلاب" کافی نیست و باید مضمون واقعی انقلاب بطور روشن ، صریح ، بیکبر و قطعی تعریف شود و ما این تعریف شامل بگانه شماری است که میتوانند پیروزی قطعی انقلاب را بطرز محیی بیان کنند آن شمار دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک پرولتاریا و دهقانان است. (لنین، همانجا) .

★ ★ ★

موضع پراگماتیستی س.ج.ف.خ. در مورد "دولت موقت" مبنی بر تا شید کارهای درست و اشتقاق از کارهای غلط!! اما به همین سیاست دنباله روی و برخورد لیبرالی با مبارزه طبقاتی بوده است . ممکن است به ما انتقاد شود که در این تئولوژی و سیاست عملی س.ج.ف.خ. تحولاتی انجام گرفته و ممتی گذشته از طریق سازمان "عملا" به کناری نهاده شده و در نوشته های متعدد سازمان بطور صریح و غیر صریح مورد نقد قرار گرفته است . و اصولاً مادام که س.ج.ف.خ. طی یک مبارزه ایدئولوژیک از مومست پرولتری بطور اصولی سر مواضع گذشته خود مست به مبارزه طبقاتی، مومست طبقات در انقلاب دموکراتیک ، مضمون انقلاب دموکراتیک سک و ... خط بطلان نکند و اعلام نظرات جدید را بصراحت همرا با رد و نفی مارکسیستی - لنینیستی نظرات گذشته و میرزبندی قاطع و روشن نسبت به گذشته انجام نداد باشد ، نه - تنها این مواضع ، مواضع رسمی سازمان تلفیقی

را متعلق به یک "دوره" و نظریات کنونی سازمان را متعلق به "دوره نوین" چنانچه کمونیستی میداند (ولاحظ در شرایط دیگر حتماً اصول دیگری لازم خواهد آمد) . رساله با این "دوره بندی" اصول مارکسیسم لنینیسم را تا حد انطباق آن با دوره ها با پس می آورد: "اما آنچه را که در اینجا باید مورد توجه قرار دهیم و از پیش روشن سازیم اینست که بهینیم رفیق مسعود احمدزاده گروه خود را درجه شرايط ضمنی نوشته و رفیق اشرف درجه دورانی دارد سمن میگوید" (ص ۳. تاکید از ماست)

رساله در باب اینکه چه کسی وارث حقیقی رزم رفیق مسعود است ، می نویسد: "اگر رفیق اشرف دهقانی و رفقای مدعی آن هستند که وارث حقیقی رزم رفیق مسعود و دیگر رفقای آن دوره هستند، ما در پاسخ می گویم وارث حقیقی دبالکتیک هگل در سیمه دوم قرن نوزدهم دیگر طرفداران هگل در همان زمان نبودند. اما ما اصل بودن راه در درازدن و عقیم ماندن که رشد کردن و برخورد دبالکتیکی کردن با سیستم اندیشگی خود در گذشته می دانیم. آقا این خود رفیق مسعود نیست که در سرار اثرش با دگما تسم می جند و به نقل از دبره از ما می خواهد که "تابع سخت گیریهای دبالکتیکی زمینی" باشیم؟" (همانجا ص ۵)

س.ج.ف.خ. خود را وارث حقیقی رزم رفیق احمدزاده میداند و مهمترین نظریات غیر مارکسیستی - لنینیستی رفیق احمدزاده و نفی اصول عام مارکسیستی توسط وی را جنگ با دگما تسم قلمداد می کند و "تابع سخت گیری های دبالکتیکی زبانی بودن" در رابطه با اصول عام مارکسیستی را که رفیق احمدزاده در دفاع از نظریات دبره بیان کرده ، بمعنی برخورد دبالکتیکی جا میزند. حال به استرازی بقیه در صفحه ۱۳

“ولایت فقیه” گشادترین کلاهی که بسرمردم ایران میرود! (۵)

ایرانادیده گرفته و هیچ (براستی هیچ) فرصتی برای بسراش عثمان کردن آن جریان انحرافی طرد شده، از دست نداده، سر خلافتادعای خود، (مجاهد شماره ۹) گناه کهنه باد دادن را شیوه همبستگی خوبشن قرار داده اند. تا با این دستاویز سر ضعیفای خود برده سافکنند.

اما بسنیم چگونه مجاهدین در قبال موضوع بسیار مهم “ولایت فقیه”، موضعی مبهم و دویپهلو – آنهم بعد از ستارکسما –

عنوان یک سازمان زنده و فعال سیاسی اینقدر در بهان موضع خود برای سرمدم تاخیر کرده اند. آنها که “مکتوبات مقامات مجلس خبرگان” درمورد ضرب و شتم خبرنگار “مجاهد” را بدرستی بمعنی تأیید اقدام پاسداران مجلس تلقی میکنند (مجاهد شماره ۷) اما انتظار دارند مردم مکتوبات آنها در

در فسمتهای پیشین این بحث، به شرح مفهوم ولایت فقیه، آثار و عواقب آن و موضع گیری نیروهای سیاسی در قبال آن پرداختیم. در رابطه با این نیروها موضع لیبیرال ها و حزب شده را در شماره ۲۷ “پیکار” مورد بحث قرار دادیم و اینسک موضع نیروهای دموکرات مذهبی را بررسی می کنیم! در رابطه با دموکراتهای مذهبی مناسب ترین نمونه موضع سازمان مجاهدین خلق ایران می باشد.

سازمان مجاهدین خلق ایران سازمانی است دموکرات یا سوابق انقلابی که موضعگیری های آن میتواند بخش قابل توجهی از اقتضای که این سازمان نمابندگی سیاسی-ایدئولوژیک آنرا به عهده دارد تحت تاثیر قرار داده، رهنمون باشد. بنابراین این موضعگیری این سازمان در قبال اصل “ولایت فقیه” – اصلی که در کلر قانون اساسی مجلس “خبرگان” جنبه محوری و کلیدی دارد و بر تمامی اصول آن سایه افکنده است – از اهمیت تعیین کننده ای در رابطه با کل مواضع این سازمان و میزان دموکراسیم آن – سرخسوردار است و سهمین اندازه نیز میتواند در گسترش با محدود کردن آگاهیهای عمومی موثر باشد اکنون بسنیم سازمان مجاهدین خلق در باره اصل ولایت فقیه چه موضعی داشته است. اصل ولایت فقیه، با اینکه از نظر نشر ممتاز روحانیت هدف نهایی حکومت بود اما نه در پیش نویس اول قانون اساسی و نه در دومی طرح نشده بود به این دلیل که در تدرین پیش نویس قانون اساسی روحانیت نقش کمتری داشت و همین طور در آن زمان یعنی ماه های اول بعد از سقوط شاه جو انقلابی و انتظارات غامه مردم از حکومت برای طرح چنین مسئله ای مناسب نبود و لذا آنرا به بعد، وقتی که با اصطلاح خریشان از بل گذشت و انتخابات با اصطلاح آزاد مجلس “خبرگان” هم سپری شد، موکول کردند. بهر حال همراه با بحثهای داغ موافق و مخالف (فعلاً کاری به پایگاه این مخالفت ها نداریم) در سطح جامعه – که کمونیستها در سبایشن مخالفین چسبناک دموکراتها و ارتشائی بوده و هستند، سرانجام پس از بحثهای شمار آتری که در مجلس خبرگان صورت گرفت این اصل در ۲۳ شهریور ۵۸ تصویب گردید. اما مجاهدین خلق ایران در ۳۰ مهر (مجاهد شماره ۷) یعنی شش ماه از یک ماه پس از آن، موضعی مبهم و دویپهلوی خود، راجع به ولایت فقیه را اعلام کردند (به کد، نه تعلات این موضع در سطور آید و خواهیم رسید) بی آنکه سکونت چرا به

● موضعی مبهم و دویپهلو، آنهم پس از گذشت مدتی بیش از یک ماه.

● مجاهدین از یک طرف با تعریفی که از فقیه می کنند کمی را نمی توان فقیه نامید و از جانب دیگر به “روحانیت مبارز” متوسل شده می پرسند: “شما چگونه می توانید تضمین کنید که از اینگونه ولایت فقیه، استبداد و انحصار طلبی بیرون نیاید؟!”

مگیرند، موضعی که آنها را جز کسانسی قرار میدهد که بقول خودشان می توان آن ها را “مخالفین ترهگین” ولایت فقیه نامید در مجاهد شماره ۲۷ آنجا که خواستند اند موضع خود راجع به ولایت فقیه را روشن کنند پس از یک بحث نفوی را چه کلمه “فقیه” مینویسند: “اگر کسی واقعاً در اسلام فقیه نباشد و جوهر اصول و احکام این ایدئولوژی را عمیقاً درک نکرده و به هدف احکام واقف نباشد، حتی همین امروز نیز از بردگی و مالکیت خصوصی ابزار جمعی تولید دفاع خواهد کرد.” با این حساب و با این “فقهی” که مجاهدین از اسلام برای خود قائلند آیا آیت اله خمینی را “فقیه” میدانند؟ مسلماً نه زیرا ایشان هرگز نه تنها احکام مشرب به بردگی و مالکیت خصوصی را زیر سؤال قرار نداده اند بلکه در مسئله ۱۷۱۰ را سال توضیح المسائل ص ۳۴۴ بر اساس قبول نهاد بردگی، فتوایش را (یعنی برآزاد کردن بنده) میدهند (همانطور که در کتب حوزه های علوم دینی یکی از بحثهای فقهی که تدرین میشود بحث مربوط به “نگاه آینه” یعنی ازدواج با کنیز است که با ازدواج با فرد آزاد یعنی غیر برده فرق دارد) در مورد نظر آیت اله خمینی راجع به مالکیت خصوصی هم مراجعه کنید به سخنان ایشان خطاب به محاسن منابع (پیکار شماره ۱۳) آنجا که تأکید میکنند اینجا مملکت اسلامی است نه کمونیستی و تنها این مسئله را به سرماه داران متذکر میگرددند که “قدری” رعایت حال کارگران را بنماشید مسدا! اینجا ر بهش باید که در آن صورت از دست روحانیت هم دیگر کاری ساخته نیست!

کفتمین بنا به تعریفی که مجاهدین برای فقیه درآورده اند آیت اله خمینی

مورد مسائل بسیار حیاتی روز را “اعتراف به خفقان تصور کنند! (مجاهد) درمورد سبک این “نه اعتراض به خفقان” بلکه تسلیم در برابر خفقان بوده است. مجاهدین بعنوان یک سازمان انقلابی دموکرات هیچ بهانه ای برای چنین سکوتی در برابر مسائل حاسی نظیر کردستان (۱)، ولایت فقیه، ... نداشته اند.

بنظر ما عدم موضعگیری صریح و قاطع و عدم دفاع انقلابی از حق حاکمیت خلق حتی آنطور که از یک دموکرات انتظار میرود در برابر اصل ولایت فقیه که تمام دست آوردهای دموکراتیک انقلاب ما را زیر پا میگذارد، چیزی جز سرباز زدن از انجم وظایف دموکراتیک این سازمان نیست. این موضع منفعل در واقع کمکمی است در جهت دامن زدن به توهمات نوده ها، موضعی که نه استثنائی و منحصر بفرد، بلکه یکی از سلسله مواضعی است که این سازمان در دوره اخیر در رابطه با قدرت حاکم داشته است و ما به برخی از آنها (کردستان) قبلاً تا حدی اشاره کرده و به موارد دیگر نیز در جای خود برخورد خواهیم کرد. همین جا مناسب میدانیم به این نکته اشاره کنیم که مجاهدین در برابر حملات وحشیانه و رذیلتانه نیروهای دست راستی بجای تکیه اصولی بر مواضع انقلابی و دموکراتیک ریشه دار سازمان مجاهدین و گرایش های مشخصاً ترقی خواهانه آن از مواضع خود عقب نشینی کرده تمام کاسه و کوزه ها و ضعف های خود را بر سر “انحراف ابورتو – نسنتی ج” خرد میکنند. حیرانی که شددیداً و عمیقاً از سوی مبارزینی که بر علیه این انحرافات مبارزه کرده اند همرا با مثل اید – تلوژیک و طغیانی آن مورد بررسی و انتقاد قرار گرفته و طرد شده است. دناهدن

بقیه از صفحه ۱۱

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوا شی؟...

و تا کنیک مراجعه کرده و بسیم رفیق احمد زاده درجه رابطه ای این عبارات را کنار گرفته. همانطور که گفتم نخت تا نیر یک رشته پیتدا و رسا (بحوان مارکسیسم-لنینیسم) ما از درک عمیق مفاهیم اساسی که دیر در "انقلاب در انقلاب" ... عرضه کرده بود، ما مل ما بدیم رومانه منسی بریک رشته ملاحظات منسی خاص، بلکه تا نیک بر اصول کنسی مارکسیسم-لنینیسم صورت می گرفت. (تا کنیک ارام است.) رفیق احمد زاده کمی پایین تر از قول دیر به نقل می کند: "صحیح نوع مداخله" متاسفاتی که در آن حزب مارکسیست-لنینیست پیشتا هک باشد وجود دارد. احزاب در اینجا در روی زمین وجود دارد و تابع سخت گیری های زمینی اند."

س. ج. ف. خ. بجای بنی کامل نظریات رفیق احمد زاده از این دیدگاه که این نظرات غیر پرولتری و خرده بورژواشی است، با او نمود کردن آن بعنوان یک مرحله "تحریر" در جنبش کمونیستی، جهاشمولی اصول عام مارکسیسم-لنینیسم و تحریر، جنبش بین المللی کمونیستی را منی کرده و مارکسیسم-لنینیسم را تا حد آمیزش منزل می دهد. نقل قول زیر بخوبی این امر را نشان می دهد:

"در شرایطی که هیچ ارگانی و شبکه گاهی هیچ نبوده و تحریرهای از گذشته برای نمادنه بود، تلاش نویسی برای پاسخگویی به معضلات جنبش خودی آغاز می شود و رفیق احمد زاده در این تلاش های ویژه ای را خود اختتام داده است. او یکی از خلافت ترین، سخت کوش ترین و موثرترین رفقای آن دوره بوده است."

ادامه دارد

چاپ دوم کارگر به پیش! شماره ۷ منتشر شد

چاپ دوم "کارگر به پیش!" شماره ۷ نشریه "کارگر" ما زمان منتشر شد. این شماره نشریه اوایل مرداد ۵۸ آماده چاپ گردید ولی بدلیل تهاجم ارتجاعی هیئت حاکمه به مطبوعات مترقی و انقلابی و چاپخانه های این نوع مطبوعات و مجلات، چاپ آن به تعویق افتاد. سپس زمانی که در تاریخ ۱۵ مهرماه این نشریه در یکی از چاپخانه های تهران به چاپ می رسید، افراد مسلح کمیده، ما و اکی گوسه به چاپخانه، مربوطه حمله کرده و تمامی نسخ نشریه را به غارت بردند. و این در حالی بود که کارگر به پیش شماره ۷ حتی رسماً در لیست نشریات توقیفی نبود! اما از آنجا که ارتجاع از آگاهی شده ها و مخصوص زحمتکاران می ترسد، مجبور است حتی "قانون" های مورد قبول خود را زیر پا گذارد.

ما اینک چاپ دوم این نشریه را به اتمام رسانده و آنرا منتشر ساخته ایم. مطالب کارگر به پیش شماره ۷ به شرح زیر است:

- کارگران بیکار چگونه باید مشکل شوند؟
- کمیده مرکزی حزب شده، ایران برای رسیدن به قدرت، چه ها که نمی کند.
- حداقل دستمزد تعیین شده چه دردی از کارگران دوا می کند؟
- تورم و تاثیر آن بر زندگی کارگران
- علت این همه ظلم و ستمی که به زنان وارد می - آید چیست؟
- و.....

تحصن نظامیان در شیراز

روز ۵۸/۷/۳ پس از اجرای مراسم صبحگاه کلبه پرسنل مرکز رزهی (افسران، درجه داران، سربازان، کارمندان) سلطت اعتراضی به وضعیت موجود دست به تحن زدند که تا ساعت ۱۴ همان روز تحصن ادامه داشت. در این مدت تعدادی از پرسنل مرکز رزهی بخشنای هاشمی ایراد کردند که تا مل موضوعاتی از قبیل تشکیل شوراها، جلوگیری از دیکتا نوری در ارتش، عدم شرکت ارتش در سرکشی خلایق ایران، مودمی کردن ارتش و جلوگیری از تعصبات موجود در ارتش بود. ضمناً پرسنل پایگاه هاشمی شیراز مرکز پیاده به پشتیبانی از همقطاران خود در پایگاههای مربوطه دست به تحن زدند.

ارتجاعی راست و فدر رهری به سمت دور شدن از دموکراتیسم سوق میدهند و ما خیرتر فراموش بحرامت کرد که این امر در مورد نیروهای سیاسی در غایت قدرت پرولاریا و حزب اشتراکی رضی کننده آن سمار طبیعی است. در صورتیکه، همسین سرورها در برخی استات دموکراتیک و صد امیرا لسنی بحر رهبری پرولاریا همسینان شنه کارگر می باشند. ادامه دارد

سخنان شان دارند باز گویند، آری در یک کلمه، فقط به ملاحظتان نیست، جنبش موسی را به چوچه نمیتوان منطق پر دموکراتیسم رسته دار ما زمان محاهدین که نبوده ها ما آن آشنایی دارند دانست. همجنس این موضع در فالت ناکنکی که در حدیث اشتراژی یک ما زمان انقلابی و دموکرات باشد سز می کند. جنبش مواضعی محاهدین را تحت تاثیر قرار می

را هم نممود معمول کلمه فقیه دانست پس این چه کوشی می جایی است که آیهادرچسا ندن خود به رهبری و دامن زدن به توهنات نوده های نا آگاه از خود نشان میدهند؟ در ادامه مقاله معاهد شماره ۲۷ آمده است: "فقیه واقعی کسی است که با اشراف به جهان بینی توحید و مکتب اسلام (کدام جهان بینی توحیدی و کدام مکتب اسلام؟ آثای علی غموری فقط در مجلس خبرگان از ۲۰ جور اسلام سراغ میدهند!) لا اقل در اصول و کلیات، اسلام را در زمان خود پیاده کند" کلمه فقیه، مستند بر موصوفران و احادیث، اسلام را در کلیه شئون ریسزو در سز زندگی موثر و دبجل می دانند و اصول و ولایت فقیه که حاکمت فقیه بعنوان نائب امام و سفیر را در کلیه امور زندگی مطرح میکند چیزی جز این نیست، شما از کجا فقه را به "اصول و کلیات" خلاصه میکنید؟ این با صلاح حقوقی "احتیاد" است در مقابل "حق" که ما در دست است. سیدر همانا میخوانیم "و اینست مسئلیم بر خورداری از دیدگاههای واقع بینانه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روانشناسی... اینست بسیاری از مدعیان امروزی آن از جمله بحیرا نند (مونه) ساحری سراغ دارند؟ و انگهی از این مطلب مرصط میکیم (چرا؟) که آیا بکفر تشبیها میتواند جامع تمام شرایط مذکور که علوم انهمه گسترش پیدا کرده اند باشند؟ (جواب شاه سوال خودتان در واقع منفی است اما کنعان میکید.) محاهدین در ادامه مقاله رابطه ولایت فقیه با حکومت را به رابطه حزب و دولت تشبیه می کنند! آیا اینرا جز رنگ زدن و جز جو را گندم و انمود کردن چیز دیگری میتوان نامید؟

محاهدین مدرستی در پس پرده ولایت فقیه حاکمیت (فترمناز) روحانیت را می بینند و از نمونه شاه طهماسب قوی که اختیار ولایت را از مجتهد جامع الشرايط زمان خود گرفته نیز بکر استند. اما به "روحانیت مبارز" متوسل شده به آیه هتدار میدهند و می پرسند: "شما چگونه می توانید تمهین کنید که از انگونه (؟) ولایت فقیه، استناد و انمار ظنی سسرون نباید؟" آیا محاهدین نوعی "ولایت فقیه" را که استناد و انمار ظنی از آن بیرون نباید سراغ دارند؟ آیت اله طالقانی هم که اینقدر مورد استناد محاهدین هست ولایت فقیه را بهمن معنی قبول داشت

(شماره های قبلی پیکار همین بحث) پیکار دیگر ما این حقیقت را تکرار میکنیم که تمام این پیچ و تابها و مبهم کوشی ها و تناقض ها که در برخورد محاهدین با اصل ولایت فقیه بروز میکند جزئی از مواضع عام آنها در مقابل قدرت حاکم است. آنها می خواهند وبه "صلحت خود" نمیدانند، حقیقت را حداقل همانطور که خود می بینند برای نوده هائی که گوش به

بقیه از صفحه ۲۲ جنبش کارگری

کنید. وقتی ماده ۹۰ اس لایحه را می شکافی می گوید:

هیچکس حق اعتصاب ندارد. طبق این ماده میتوان کارگری که برای گرفتن گوشه ای از حق دست به اعتصاب زد. بمشاور کسی که در تولید احلال کرده به ۲ تا ۱۰ سال زندان محکوم کرد. آنوقت این دولت میتواند طرفدار کارگرو خدا میر بهایست باشد؟

کارگران:

● **دوستان! بورژوازی برای خود قانونی دارد و آن اینکه هر کارگری که اعتراض کند، باید سرکوب شود! ما کارگران هم قانونی داریم و آن اینکه تا زمانی که سرمایه داری و استثمار وجود دارد، مبارزه خواهیم کرد!**

● **آقای بهشتی نمیتواند برای ما قانون تصویب کند، کسانی میتوانند برای ما قانون بنویسند که از خود ما باشند. از جنوب شهر، از کوره پزخانه ها، از...**

ما می گوئیم اگر شما واقعاً خدا میر بهایست هستید، کلیه قراردادهای ایران و آمریکا را لغو کنید، سرمایه های آمریکائی را بنفع کارگران و زحمتکشان معاذره کنید. زدن شاعره های امپریالیسم بدرستی خورد، آنرا از ریشه درآورید. این کارگزاران، در ادامه سخنان به قانون اساسی اشاره کرد و گفت: "آقای دکتر بهشتی نمیتواند برای ما قانون تصویب کند، کسانی میتوانند برای ما قانون بنویسند که از خود ما باشند. از جنوب شهر باشند، از کوره پزخانه ها آمده باشند و یا دست های پینه بسته!" به آقای بهشتی که معلوم نیست زمانی که خون گرم جوانان ما سنگفرش خیابانها را گلگون میکرد در آلمان به چه کاری مشغول بود، واگر با اوست بدهی فکر میکنی که دستهای پت را در پنبه فرو کرده ای. آقای دکتر بهشتی که خانه اش در شمال تهران قرار دارد (خیابان ظفر) چه می فهمد که نفر آدم در یک اتاق ۲×۳ چگونه زندگی میکنند. آنوقت ایشان یکی از نمایندگان مجلس خبرگانند و به اصطلاح قانون تصویب میکنند! (فصحت خارج از کسومه از خود گزارش نویسی است).

کارگر با دانی دردنباله، سخنان گفت: "دوستان! سوز زاری برای خود قانونی ندارد و آن اینکه هر کارگری که اعتراض کند، باید سرکوب شود! ما کارگران هم قانونی داریم و آن اینکه تا زمانی که سرمایه داری و استثمار وجود دارد، مبارزه خواهیم کرد، ما با قدرت رسیدن کارگران مبارزه را ادامه خواهیم داد."

کارگردانگری پشت میکروفون رفت و از معاون وزارت کار خواست که پشت تریبون بیاید و در مورد حق بیمه بیکاری (و نه وام بی کاری) و دفترچه بیمه بیکاری با مراجع جواب دهد. ضیا پشت میکروفون رفت و پس از مقداری ظفر رفتن، گفت: "... ما هر کاری نتوانیم برای شما انجام میدهیم، مثلاً خانه کارگر را حواستید، در اختیار شما گذاشتیم! "با این حرف کارگران همگی برآفتند و یکی از آنها که داشت جمعیت آب میخورد دریا زد که: "نه، این دروغ است، دوستان کارگرا دهند که

ما از دیوار بالا رفتیم و در حالیکه پاسدارها می گفتند اگر بهایست بالا شلیک می کنیم، توجیه نکردیم و رفتیم بالا! "ضیا" بحالست فخر از پشت تریبون کنار رفت که مثلاً می خواهد برود. در این موقع یکی از نمایندگان کارگران پشت میکروفون رفت و گفت: "نسا بر نامه تمام نشده، هیچکس حق ندارد اینجا را ترک کند." معاون وزیر کار را زیر گشت و در حالیکه مرتب به سگارش یک میزداد اما مداد که

"کار حق هر انسان است، نه فقط حق کارگران، خواسته های شما بر حق است. کارگرانی که ساختمانهای مسکن را ساخته اند، کارگران سباز اعتراض کردند که: "ما هم بیکاریم، نه فقط کارگران ساختمانی." ضیا ادا مدها: "در مورد بیمه درمانی ما مربوط نیست، به وزارت بهداشت مربوط است." باز هم اعتراض کردند و جلسه متشنج شد. آقای ضیا باز تهر کرد و این بار کارگران متلک را رانند کردند، تا اینکه سرکشت و دنباله حرفش گفت: "در مورد حق بیمه بیکاری ما در حال تصویب آن هستیم و... در این هنگام یکی از نمایندگان کارگرا ن پشت میکروفون رفت و گفت: "آقایان! جواب شما به دولت را شنیدید، ما تا یک هفته دیگر بیشتر ملت نمی دهیم، این تصمیمی است که شورای نمایندگان گرفته است." همه ناخوش کردند. پس از آن محبتی کارگران ادا مده پیدا کرد، تا اینکه کارگری پشت تریبون آمد و پس از مقداری صحبت از وضع زندگی، آتشین ضیا را گرفت و بطرف میکروفون کشید و گفت: "آقایان! شروع مریستید، روبهیم ۱۰۰ تومان سی ارز، آنگاه کراوات معاون وزیر را گرفت و روبه جمعیت گفت: "کراوات را اینجا لباسیه، ارتسابای من بیشتر می اورد." آنگاه نگاه متغیر آمیزی به درایای ضیا انداخت و گفت: "آبهای می خواهد برای ما کار انجام

بدهد! "پس از آن کارگرا ن جوانی پشت تریبون آمد و گفت: "۹۰ ساله بودم که به ملت مفرد رجاءه آمریکا را شروع به کلفتی کردم. بعد از جدال کلفتی رفتم کارخانه، در این کارخانه چون حاضر نشدم با یکی از مدیران بی شرف ارتباط داشته باشم، اخراج شدم، وقتی اعتراض کردم گفت، از قبایع غش نمی آید. حالا ما بهایست که سیکارم. پدرم برادر کوچکم را بگذاشت درس بخواند، تا شاید خرجی ساورد. ما گفتیم اگر شاه برود و خمینی بیاید، خوب می شود، اما وضع ما بدتر شد! در این موقع جمعیت شعار داد: "سرمه دار مزدور عامل مرگ ما است." کارگرا ن جوان، در پشت میکروفون، دستهای را بالای سرش در هم قفل کرد و به آوازها و سخنان رفقا پیش پا سخ گفت. بعد از صحبت چند نفر، کارگردانگری آمد و گفت: "پدرم در بیمارستان بستری بود، وقتی می خواستم بیمارستان بیرون، گفتند ۱۲۰ تومان خرجش شده است. گفتند دارم. گفتند درازای ۱۲۰۰ تومان خون بده، من که چهاره ای بدانتم خون دادم." وی سپس در حالت اشاره ضیا اضافه کرد: "اگر کسی یک کمی عبرت داشته باشد و حرفهای ما را نشنود، آب میشود، اما این اسبیدی، وزیر کار ریشتر جانی میشود." در این موقع قطعاً همه کارگران بیکار در حضور ضیا خوانده شد. در این قطعاً آمده بود که شاور و دوشنبه ۵۸/۸/۲۱ جواب خواهی ما که شامل: ۱- کار (و در صورت نبودن، حق بیمه بیکاری)، ۲- دفترچه بیمه درمانی، است داده نشود، ما راه پیمائی خواهیم کرد و مسئولیت هرگونه اتفاقی احتمالی با دولت است.

در این روزهای همسنگی زیادی خوانده شد، که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- پیام همسنگی کارگران ناغل اکباتان.
- ۲- پیام همسنگی کارگران استار لایت.
- ۳- پیامهای همسنگی دانش آموزان دبیرستان آزادگان شماره ۳ و دانش آموزان دبیرستان ابوذر
- ۴- پیام همسنگی کارگران بیکار و فروپسین (که در این روزهاشان در فرمانداری فروپس اجتماع کرده بودند)...

سعی از شعارهایی که داده شد بقرار زیر است:



"حق کار"، "حق بیمه بیکاری" از حقوق مسلم کارگران است

اتحاد، اتحاد، علیه سرمایه دار
مرکز بر وزارت سرمایه (وزارت کار)

اتحاد، تشکلات، تسبیح سلاح ما است
قدرت زحمتکشان شهنار علاج است
این برنا مه تا ساعت ۲ بعد از ظهر ادا مداشت.

گزارشی از مبارزات کارگران کشت و صنعت مغان

● افراد کمیت، جها دسا زندگی، توده ای و ملاهای مرتجع بر علیه کارگران

نقل از ضمیمه محلی پیکار کمیت، آذربایجان شماره ۳

به این افراد پیشرو با افتخار بودند. آنها به
فربس عوامل دولتی و کمیت، چپهایی سرده
بودند. جمع کارگران معادف بود با تحمیل
دیپلمه های سبک روشتن، مخبرات و ورود
استاندار آذربایجان شرفی به منطقه. البته
آقای استاندار برای متخل کردن کشت و صنعت
تشریف آورده بودند!

کارگران و کارمندان با تصمیم به شهرک
کشت و صنعت که آقای استاندار در آنجا - در
یک اتاق در بسته - می خواست درباره هزاران
نفر تصمیم بگیرد، حیرت داشتند که ما ۴۰۰۰ نفر
از کارکنان میخواستیم به اینجا بیاییم. ما
مسئله را در اینجا حل کنیم. استاندار رجوع
داد که "نمایند بفرستید". کارگران قبول
نکردند. جواب فرستادند که "به نماینده های
اصل ما برچسب می زند". استاندار تهدید
کرد که "اگر نظرات را نپذیرد، نمی آیم". کارگران
جواب دادند "نظرات می کنیم که هیچ، اگر
شما نباید همگی میرویم شهران و جلوی وزارت
کشت و رزی با هم ملاقات میکنیم". سپس کار -
گران همگی راه افتادند و در صفوف منظم -
دشمنان را به هم حلقه زده - از کمپ قدیم که
کارگاهها در آنجا است به طرف پارس آباد حرکت
کردند. آنها در ضمن با دیپلمه های بیکارا علام
همسنگی کردند. دانش آموزان نیز با بیکاران
و کارگران کشت و صنعت اعلام همسنگی کردند.
کارگران و کارکنان - متحد - با زوبه بازی
هم داده و با مشت های گره کرده - شروع به دادن
شمار نمودند. "کشت و صنعت منحل الماسون"
(کشت و صنعت نباید منحل شود) - با زار لاری
با غیلون - اگر کشت و صنعت منحل اولار - باشوزا
و ورون آغیلون - (با زار را ببندید - اگر کشت
و صنعت منحل شود - به سران زیند و گریسه
کنید) - چون وجود با زاریهای "پارس آباد"
اکثر اواسته به بقای کشت و صنعت است بدین
جهت تمام دکاندارها منازهای خود را بستند
و با کارکنان این مجتمع ابراز همسنگی کردند.
"شاهلاری شخن سالان - مالگلاری باندوران
دیکتا شور ارقا جردان - کارگر دی کارگر دی
کارگر" (سرگون کشنده ها - سوزاننده
ریشه ما لکین - فراری دهنده دیکتا شورها
کارگراست کارگراست کارگر) -
مرتجع لاردرون - هر بریشی دوزدن - اما

حدود ۱۵ روز قبل از اعتصاب، بعضی از
کارمندان و کارکنان اداره آگاه شده بودند
که میخواهند کشت و صنعت را منحل اعلام نمایند.
بخشنامه های که از طرف وزیر کشت و رزی و مدیر
عامل کشت و صنعت، "آقای آشورپور" (اوبکی
از افراد ادا روسته "حزب توده" میباشد و در
هنگاری با کمیت، چپ ها بر علیه افراد پیشرو
کشت و صنعت از هیچ کوشتی معاف نگردیده است)
مادر شده بود. این امر را نباید میکرد.

افراد پیشرو کشت و صنعت میدانستند که
دولت خدا نقلایی در صد است تا شکل کارگری
این منطقه را برهم بزنند چون از حدود ۴۰۰۰ کارگر
در این منطقه و حش دارد. دولت با منحل
کردن کشت و صنعت میخواهد شکل کارگری این
منطقه را به خرده مالکی تبدیل کند. ولی با
وجود این، بر اثر سمها شیبایی که از طرف عوامل
دولت (کمیت، چپها - جها دسا زنگیها - آشورپور
توده ای و ملاهای مرتجع و...) بر علیه افراد
پیشرو کشت و صنعت شده بود و آنها را ضد انقلابی
و کارکنان جلوه داده بودند، این افراد پیشرو
نمی توانستند خیرا بحلال کشت و صنعت را بطور
وسیع در اختیار کارگران و کارمندان بگذارند،
تا اینکه یک روز قبل از اعتصاب جلسه ای از
کارگران و کارمندان کشت و صنعت در مهما شرا
با حضور یکی از اعضای هیئت مدیره - برگزار
گردید (السته گفتنی است که به خواست
کارکنان، این مهما شرا با دست یکی از کار -
گران افتتاح شد). بخشنامه های وزیر کشت و رزی
و مدیر عامل خوانده شد و نیز جوابی را که هیئت
مدیره و بعضی از مسئولان شرکت به مرکز نوشته
بودند - که از عواقب کار می ترسیدند - نیز
خوانده شد. در بخشنامه وزیر کشت و رزی و مدیر
عامل قید شده بود که کشت و صنعت منحل اعلام
شده و زمینها به تشریب زیر تقسیم خواهد شد:

برای هر کارگر، ۶ هکتار / برای هر
کارمند، ۱۵ هکتار / و برای هر مستخدم ۲۵
هکتار. کارگران سخت عصابی بودند. کار -
مندان نیز ناراحت بودند.

کارگران می گفتند "ما در این زمینها
نرخوا هم کاشت" و کارمندی می گفت من هم
"ماده وفانون دولت را خواهم کاشت".

فردای آتروز افراد پیشرو کشت و صنعت به
کارگران خبر دادند که "در جلوی کارگاه جمع
شوید، کار کشت و صنعت دار شما میشود".
کارگران بلافاصله در جلوی کارگاه کشت و
صنعت جمع شدند. آنها دوباره اعتماد خود را

حقی سبیل - کارگر دی کارگر دی کارگر.
(کشنده مرتجعین، سازنده هر چیز، اما
محروم از حق خود، کارگراست کارگراست
کارگر).

جمعیت که از ساعت ۹ صبح حرکت کرده بود
تا ساعت ۴ بعد از ظهر بدون خوردن نههار
منتظر استاندار در وسط خیابان نشستند. عده -
ای بشور خود بخودی ملوات می فرستادند که
با اعتراض ما برین مواجه شد. معتزین می -
گفتند "برادر ملوات ما ما سازگار نیست،
جریمه اش را کشیده ایم" (اشاره به تحریکات
کمیت، چپ ها).

یکی از کارگران می گفت "فلا اگر
چیزی می خواستیم باید روی شاکتورها سی
می نشستیم و آنقدر جاد و بشاه می زدیم تا ساند
تا فرمان بپاره شود. حالا مهما بدینا ملوات بفر -
ستیم و با درویر خمینی بگوئیم تا کسی لطیف
کند و به حرفهای ما تا قاپلها گوش دهد". مامورین
ژاندارمری موضع سطر می داشتند و میگفتند
"همینایی که امروز شما را بکار و کمو -
نیت می گویند، همان گشائی بودند که مردم
را به کوچ و با زار کشاندند و شاه را سرنگون
کردند. از این به بعد هم حرف اینها
خواهد بود. دیگر خود ما را توجهل نمی دانیم.
کارگران عده ای را ما مورگند تا پیش
استاندار بروند و اطلاع دهند که "مرت خلاصت،
ما نظرات کرده ایم ولی خرابکارا روحانی
نیستیم و به کسی آسیبی هم نرسانده ایم و در
جلوی ژاندارمری آرام، مثل یک کارگر -
نشسته ایم".

خلاص ساعت ۲/۵ استاندار به مسجد پارس -
آباد آمد و چون روز تحلیلی از پاداران کشته
شده در شدت بود، استاندار پاداران را
چندین بار فرستاد تا کارگران را قانع کنند.
به مسجد بروند و در تحلیلی پاداران شرکت کنند
کارگران قبول نکردند و بلاخره بحان آمدند
و گفتند "آخر آقایان پادار، شما که مرکز
پیام نیستید که می روید، می می آید".
یکی از پاداران قبول یکی از کارگران شروع
به "رستمنا به خواندن" کرد که کارگران حمله ور
شدند تا خلع سلاح کنند ولی ژاندارمهها میا -
جگری کرده و پاداران را متفرق کردند. بعد
از مدتی معاون استاندار آمد و بعد از سخنرانی
که دم از انقلاب و خدا انقلاب میزد، گفت "اینجا
بلندگو نیست که جناب استاندار بتواند سخن -
رانی کند و شما در مسجد هم مراسم تجلیل از
پاداران است و هم بلندگو، بهتر است به
آنها بیایید". یکی از کارگران در جواب گفت
"آقای یک مغروط پیدا میشود تا دست آقای استان -
دار بدهیم که سخنرانی بکنند. از آن گذشته
چطور است که حرفهای شما را بدون بلندگویی -
شنویم ولی حرف آقای استاندار را نمیتوانیم
شنویم؟ اصلا میدانید از نظر شرع درست

نان، مسکن، آزادی

دربایان یکی از نمایندگان کارگران میگفت: "وقتی آقایان مدای شمار شما را می شنیدند، بشتان میلرزید. و آنچه که باعث شد اینها جلسه تشکیل بدهند و نمایندگان کارگران را در آن شرکت دهند، فقط اتحاد ما بود." یکی دیگر از کارگران می گفت: "دوستان کارگر، اتحاد را فراموش نکنید، اگر آنها زیر قولشان بزنند ما باز هم با کمک یکدیگر آنها را مجبور می کنیم که ما را استخدام کنند".

مبارزات

کارگران پیمانی صنعت نفت

مسئله رسمی شدن کارگران پیمانی صنعت نفت همچنان لاینحل مانده است. مقامات مشول و هیئت های گوناگونی که از تهران و دیگر نقاط خوزستان به آبادان آمده اند، جز اینکه کارگران را دعوت به "صبر انقلابی" و کار بیشتر کنند هیچ گرهی از مشکل کارگران نگشوده اند. در طول ماههای گذشته کارگر - ان پیمانی ضمن تحصن و راهپیمایی و حتی اشغال دفتر مرکزی، خواسته های عادلانه خود را که عدد ترین آن همانا رسمی شدن بود مطرح ساختند. لیکن هنوز که هنوز است جوابی دریافت نکرده اند.

در تاریخ ۵۸/۸/۸ گروهی از کارگران پیمانی ضمن صدور اعلامیه ای وضع اسفبار خود را شرح داده و اقداماتی را که از غرضای قیام بعمل آورده اند، ذکر کرده اند. آنها در ابتدای اعلامیه خود خطاب به دیگر کارگران پیمانی پرسیده اند:

- ۱- چرا مسئولان صنعت نفت موافقت - نامه ای را که با کارگران پیمانی بسته اند، اجرا نکرده اند؟
- ۲- چرا حقوق روزهای پنجشنبه را به کارگران پیمانی (اداره ساختمان) پرداخت نمی کنند؟
- ۳- پول بیمه که در مدت هفت ماه از کارگران پیمانی (اداره ساختمان) کسر شده، چرا به شرکت بیمه پرداخت نشده؟

کارگران پیمانی در اعلامیه خود ماهیت ضد کارگری رژیم را افشا کرده و در پایان بر لزوم اتحاد و یکپارچگی کارگران در مبارزات خود، تأکید کرده است.

آبادان،

اعتصاب کارگران پیمانی

کارگران پیمانی سخن ماعتنای صنعت نفت در آبادان از روز چهارشنبه ۸/۲ بعنوان اعتراض به قطع حقوق پنجشنبه ها و نیز عدم جرای موافقت نامه ای که در زمان "نزه" دری یک اعتصاب چندین روزه، اکثر کارگران پیمانی آبادان مستند، دست به اعتصاب زده اند.

حالی اینجاست که "میس فر" وزیر نفت دولت ماعتنای درحالی موافقت نامه همیا - لکی اش "نزه" را با کارگران زمینش پیمانی بقیه در صفحه ۶

کلاسی به اطلاق شدید شده است. با متلا گرایش داده بودند که ماعتنایون درختهای بادام را شکستند. در صورتیکه درکشت و صنعت اصلا درخت بادام وجود ندارد تا ماعتنایون هم آنرا بشکنند. ■

مبارزات کارگران توکلی

ادامه دارد

(نقل از صفحه، محلی کمیته، آذربایجان)

کارگران توکلی موفی شدند، مدیر دولتی را وادار به دادن درخواست آنها بکنند، ۴۰۰ ریال حق معانه و ۳۰۰ ریال به دستمزد روزانه اضافه کردند. کارگران تهدید کرده بودند که در صورت عدم موفقیت شورا در گرفتن خواسته های روزشبه ۵۸/۸/۵ دست به اعتصاب خواهند زد. مبارزه کارگران برای احقاق خواسته های دیگرشان ادامه دارد.

مبارزه پیروزمند کارگران

بیکار قزوین

پس از اینکه کارگران سکار قزوین - محل فرمانداری را بعنوان خانه موقت کارگران تصرف کردند. درخواستهایشان را مبنی بر استخدام کارگران سکار به اطلاع عایدی مدیر کل اداره کار و امور اجتماعی رسا - نندند، که وی در جواب میگوید در جلسه ای که روز شنبه به اتفاق فرماندار و سایر اولیای شهر خواهیم داشت، نمایندگان میتوانند در آن شرکت کرده و جواب را به اطلاعشان برسانند.

روز شنبه حدود ۵۰۰ نفر بیکار در خانه کارگر اجتماع میکنند که استادا شروع به افشاکری در باره سیاستهای سرمایه داران و بعد به دادن شمار میپردازند پس از مدتی که از شروع جلسه مسئولین امور با نمایندگان کارگران میگرد. نمایندگان به میان کارگران آمده میگویند: "مسئولین میگویند ما فعلاً کارگر احتیاج نداریم و طرحی بی در دست است که ممکن است ۶ ماه دیگر عده ای کارگر بخوایم!!". کارگران دوباره شروع به دادن شمار "اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد" میکنند تا جلسه به پایان میرسد.

روز بعد (یکشنبه ۱۳ آبان) کارگران دوباره در خانه کارگر اجتماع میکنند و نمایندگان خود را برای مذاکره میفرستند در جریان مذاکره سرمایه داران - حوامیان - شان با طرح استدلالهای مغرور ای از قسمل اینکه دولت سربازها را معاف کرده و در نتیجه ما با مشکل سیکاری مواجه هستیم! و ... سعی در فریب نمایندگان کارگران میکنند که با مقاومت آنها روبرو میشود. در تمام طول مذاکره، مدای پر طنین "اتحاد، اتحاد کارگران اتحاد"، "بیمه بیکاری، پرداخت باید گردد" و ... بگوش میرسد.

سرانجام کارگران بیکار با مبارزه یکپارچه خود به پیروزی رسیدند و قرار شد کارخانه ها (به سبب ظرفیت خود) همیشه بیکاران را استخدام کنند.

نیست که ما به محدبیا بیم چون اکثر ما بکیزه نیستیم" و معاون بدون نتیجه برگشت. کارگران شروع به صحبت با همدیگر کردند که مگر با سدا را نی که مرده اند چطور کسا نی بوده اند؟ مثل همین با سدا را نی بودند که الان با هانا ن دعوا داشتیم اگر فرصت دستشان بیفتد همه ما را با طاسر آرنجیت باز بیا بیا به گلوله می بندند تا به اصطلاح "ایمان" خود را ثابت کنند. یکی از کارمندان می گفت "آخر این "غازخواران" را چه به نهادت" (چند نفر از سدا را نی دربارس - آباد غاری دزدیده بودند و در کنار رود ارس نوش جان میکردند که مردم فهمیده اند و اسمان را گذاشته اند "غازخواران" سر وزن "با سدا را نی"). سدا از رفتن معاون آتسای پیشتر آمد و سدا از بتول کارگران "رجزخواستی" از کارگران خواست تا به محدبیا بند. کارگران در جواب گفتند "یک کلام باید استناداریا بد که بیا بد". سدا از رفتن پیشتر از آقای استان - دار سدا عی باید! رفتنک بدست به جمع کار - کسان اعتمای گشت و صنعت آمد. یکی از نمایندگان کارگران جلسه شد و شمار داد. درود بیکار و گر، کشت و صنعت نباید منحل شود" و اعتنایون آنرا چندین بار تکرار کردند. استنادار شروع به سخنرانی کرد که "دولت از شماست و منحل شدن کشت و صنعت یک شایعه است که اخلاکگران و ماعتنایون ساخته اند". کار - گران بلافاصله بخش مدوزیر کتا ورزی و مدیر عامل را نشان داده و فریاد کشیدند "پس اگر اینظور است وزیر کتا ورزی و مدیر عامل ضد انقلابی هستند". استنادار و ما ندو گفت "من با وزیر کاری ندارم و کسا نی که ما من آمده - اند هم رندانی سیاسی کشیده ایم" خنده شدید اعتنایون، "مگر ملای گویند دزمان آقای ناطق که با شما آمده است زندانی سیاسی کشیده است؟".

خلاصه آقای استنادار گفت "من از شما هستم و اینجا به تنها منحل نمی شود بلکه رسیدگی بیشتری هم به اینجا خواهند داد. در همین حبس چشم کارگران به "عمی قریانی" یکی از زمین داران و سرما به داران منکان افتاد که در خواست کرده بود کشت و صنعت را منحل کنند و چند صد هکتار به او بدهند. کارگران بقیه - اش را گرفتند و گفتند "زمین کشت و صنعت را برای شما سرما به داران گورستان میکنیم". افراد دیگری که طی نامه خواستار انحلال کشت و صنعت و زمین شده اند، عبارتشند از: درختان، حاجی عسگر رفیعی، احد کسا نی و عده ای دیگر. شمار کارگران و کارمندان با شمار "درود بیکار و گر مورک به سرما به دار" برانگیده شدند.



چنانکه از حرفهای استنادار برمی آمد، بر گزشتن گزارش از به اصطلاح ماعتنایون از جهاد سادگی (با بقول افراد بیشتر کشت و صنعت، با واکنشهای ریشو) بوده است.

مثلاً آنها گزارش داده بودند که خدا انقلاب سبون به درختهای گلای عمداً نداد و آنها را خشک نکرده اند. در صورتیکه در منطقه درختهای کلاسی، کاسال شرک برداشته و آب زیر درختهای

اخباری از:



جنبش دانش آموزی

گشته بود با حمله فالانژها روبرو شد. در مقابل با این حمله سرجمانه دانش-آموزان دختر مدرسه فردوسی آبادان نیز به دانش آموزان تظاهر کننده، ملحق شدند، و علیرغم فشار مرتجعین بر اهلبیای پرداختند. آنان شعار میدادند:

شورای بی محتوا، حامی سرمایه دار
محمل پیروز امت، ارتجاع نابود است،
معلم، راه صد راه تو- مرگ بر این
سیستم آموزشی

خرمشهر

■ دانش آموزان دبیرستان دخترانه "آلادپوش" به تفتیش هرروزه دانش آموزان در دبیرستان اعتراض نموده و دست به تهنیت پیروز-مندان ای زدند. آنان با اتحاد خود پیروز شدند. و تهنیت را خاتمه دادند.
■ هنرجویان منشی خرمشهر با اعلام هبستگی با هنرجویان سراسر کشور در جه-خواست های منشی و سیاسی خویش دست به تهنیت زدند. آنان از جمله خواستار آزادی بیان و عقیده در محیط هنرستان، ایجاد شورای واقعی و ایجاد امکانات رفاهی و آموزشی برای هنر جوان شدند. تهنیت آنان سلطت پذیرفته نشدن تمامی خواسته هایشان از جانب مسئولین، ادامه دارد.

شیراز

بزرگداشت ۱۳ آبان ۵۸/۸/۱۳
هنگام با دانش آموزان سراسر کشور در شیراز نیز تظاهرات از سوی دانش آموزان ه-دارا زمان به یکا و ترشید داده شد. در این تظاهرات گروه دانش آموزی راه صد سبز شرکت داشتند. دانش آموزان در ساعت ۹ صبح در فلکه شهدا (شهرداری سابق) اجتماع کردند و یکی از دانش آموزان مقاله ای خواند. در این مقاله اشاره ای کوتاه به جنبش و قیام، دولت و ما هبش شده بود. راهبیمانی از میبیدان شهادت شروع شد. در مسیر راهبیمانی شعارهای مانند: فعالیت سیاسی حق معلم ما است، فرهنگ استعماری نابودیا بدگردد، سیستم آموزشی تمویض می بدگردد، داده میشد.

عده ای مرتجع با شعار مرگ بر کمونیست و حزب فقط حزب الله کوشیدند تظاهرات راه-بیمانی را بهم بزنند که با هتباری راهبیمایان خنثی گردید.

پس از یک ساعت راهبیمانی قطعنامه ۹ ماده ای از طرف دانش آموزان خوانده شد. مواد قطعنامه از این قرار است:

- ۱- لغو شهریه و رایگان و اجباری نمودن تحصیل در تمام مراحل برای دانش آموزان.
- ۲- پرداخت کمک هزینه تحصیلی.
- ۳- ایجاد شوراهای واقعی از نمایندگان دانش آموزان با داشتن قدرت اجرایی و عملی کامل و کنترل کلیه امور مدرسه بدست خود دانش آموزان.

بقیه در صفحه ۱۹

تهران

روزیکشنبه ۱۳ آبان، بنا بدعوت "کانون دانش آموزان مبارز، طرفدار آزادی طبقه کارگر" مراسمی در زمین چمن دانشگاه پلی-تکنیک برگزار شد. در ابتدای برنامه پیام دانش آموزان مبارز شهران خوانده شد و پس از آن سرودی دسته جمعی توسط دانش آموزان اجرا گردید. سپس پیام "ما زمان به یکا و در راه آزادی طبقه کارگر" مناسبت این روز قرائت گردید و آنگاه منشی درباره کردستان خوانده شد. در این روز بهایهای زیادی و امل شده بزرگنما برخی از آنها اکتفا می کنیم.

۱- پیام دانشجویان مبارز

کامیاران

روزشنبه ۵۸/۸/۱۳ تظاهراتی از طرف دانش آموزان مبارز کامیاران به پشتیبانی از بهیترگان ما زمان انقلابی زحمتکشان کرد-ستان و مبارزات خلق کرد و دیگر خلقهای ایران برپا شد که در آن مردم کامیاران و روستاهای اطراف شرکت داشتند (شعداد تظاهرات هر کنندگان نزدیک شده هزار نفر بود).

شعارهایی که در تظاهرات داده میشد

مبارزات دانش آموزان در خوزستان

امواج جنبش دانش آموزی روز بروز در حال جوش و گسترش است. دانش آموزان مبارز خوزستان نیز در روز دانش آموز شعارهای خویش را در همبستگی با خلق قهرمان کرد و در حمایت از مبارزات زحمتکشان و در بیان خواسته های خویش دستا به بخشی از خلق فریاد زدند. در زیر، گوشه هایی از این امواج خروشان را منعکس میکنیم:-

اهواز

■ صبح ۱۳ آبان تظاهرات پرشکوهی از جانب دانش آموزان دختر چند دبیرستان اهواز (هنر-ستان بازرگان، محبوبه متحدین، پروین-اعتمادی و...) به دعوت دانش آموزان دبیرستان محبوبه متحدین، برگزار شد. در این راهبیمانی دانش آموزان به دست-گیری ۸ نفر از دانش آموزان محبوبه متحدین، اعتراض کردند. آنان همچنین خواستار آزادی فعالیت سیاسی در مدارس، تشکیل شوراهای واقعی دانش آموزان، اخراج مدیران استعماری و جایگزین نمودن مدیران انتخابی گشتند.

- ۲- کانون مستقل معلم
- ۳- دانش آموزان بهیترگان کردستان
- ۴- دیپلمه های بهیکار شهران

و

همچنین در حین تظاهرات ها شای توسط جمعیت داده میشد که عبارتند از:

اتحاد، اتحاد، علیه امپریالیسم
محمل می رزم، ارتجاع می لرزد
هزینه تحصیلی برای زحمتکشان پرداخت باید
گردد

.... درود بر کارگر

.... درود بر بهیترگان

کار برای کارگر زمین برای سزگر
مرگ بر این فرهنگ استعماری
پیروز با علم ره رها شای

بدین ترتیب بود:

بژی هیزی کومله زحمت کشی له گله
خلق کرده میرزم ارتجاع می لرزد
سرمایه دار خرمن مژه ظالمه فقر گز
و سروه های پیشکوشی و قیام ای رفیقان

در تاریخ ۵۸/۸/۸ بدستال حکم شمسید چندتن از معلمین مبارز کامیاران شعداد ده نفر از محکمین دختر و پسر کامیاران دست به تهنیت زدند و خواستار لغو حکم ماده شدند که بعد از موفقیت در روز ۸/۱۱ به تهنیت خود پایان دادند.

■ در روز ۵۸/۸/۵ در دبیرستان همدان دانش آموزان به علت اعتراض به عوض شدن مدیر دبیرستان و خواست فعالیت سیاسی آزادانه برای تمام دانش آموزان، به کلاس نرفتند. آنان قطعنامه ای مادر نموده و خواسته های خود را اعلام نمودند.

آبادان

■ در روز ۱۳ آبان، تظاهرات چندین هزار نفره ای با شرکت دانش آموزان مبارز دبیرستانهای مختلف آبادان برگزار شد. این تظاهرات با شکوه با حمله فالانژها روبرو شد که سعی در پراکند نمودن تهنیت داشتند. اما دانش آموزان قهرمانانه به مقاومت پرداختند که عده زیادی از آنان نیز زخمی شدند.

دانش آموزان شعار میدادند:

- فعالیت سیاسی آزاد با بدگردد.
- حمله به دانش آموز توطئه ارتجاع.
- کردستان سگر زحمتکشان.
- مرگ بر این سیستم آموزشی.

■ در روز ۱۴ آبان تظاهراتی با شرکت بیش از هزار نفر از دانش آموزان آبادانی بهیترگان شد. تظاهرات که از دبیرستان سپهر آغاز

اخباری از: کردستان قهرمان

۶ روز در مهاباد قهرمان

آنچه که در زیر میخوانید قیمتی است از اعلامیه بلندی که با عنوان "درد بر خلق دلاور کرد" که حوزه سندج را زمان مابین تاریخ ۵۸/۸/۴ در سطح کردستان منتشر نمود است:

چهارشنبه ۵۸/۷/۲۵: یک گردان از نیروها - ی کلاه سبز سوار بر مینی بوس و اتوبوس در حالیکه بتوسط تانکها اسکورت میشدند بعد از ظهر از ارومیه وارد مهاباد شده و سرعت روانه پادگان گشتند.

پنجشنبه ۵۸/۷/۲۶: از صبح زود معلوم شده است که ارتش و پاسداران تمامی راههای اصلی و فرعی را بسته و مانع از ورود و خروج میشوند و با اینکار خود تصمیم دارند برنامه خانگردی وسیعی را برای انداخته و بستگی و وسیع جوانان مارز و انقلابی مهاباد را از وجود عناصر باصلاح ضد انقلاب پاک نمایند. حدود ساعت ۳ بعد از ظهر برنامه پاکسازی شروع شده و نیروهای کلاه سبز و ارتش و پاسداران اشغال حیوانات و کوجه های اطراف پادگان را آغاز می کنند، جوانان مارز و انقلابی شهر را سلاحهایی که در دسترس داشتند (تارنچک و سلاحهای سبک) بمقابله شتافته و درگیرهای سختی در میگیرند که تا نزدیک نیمه شب ادامه داشته و سرانجام نیروهای مهاجم با دادن تلفاتی به پادگان عقب نشینی میکنند، تعدادی سلاح و مقداری مهمات بدست انقلابیون می افتد.

جمعه ۵۸/۷/۲۷: شهر از آرامش نسبی برخوردار است. شب هنگام پیشمرگه های قهرمان دشمن را غافلگیر نموده و ضرباتی وارد ساخته و یک جیب زاندارم را با آتش میکشند. شنبه ۵۸/۷/۲۸: از ساعت ۲ بعد از ظهر، دشمن با تانک و زره پیش در صد اشغال مجد دشمن برمی آید. در همان لحظاتی اولیه پیشمرگه های قهرمان با سلاح (آر. پی. جی) پنج تانک را منفجر نموده و نیروهای کوجه به کوجه را آغاز می کنند. مردم شهر در این روز با کمکهای بدریغ خود همبستگی و پیوند عمیق خویش را با مبارزین انقلابی به اشکال گوناگون بنمایش می گذارند. با پشتیبانی وسیع توده های مردم، دشمن بار دیگر به پادگان عقب نشینی می نماید.

یکشنبه ۵۸/۷/۲۹: اوضاع شهر نسبتاً آرام است، هیچ ارتشی، پاسدار و کلاه سبزی در شهر دیده نمیشود. بهنگام غروب پیشمرگه ها با سلاحهای گوناگون یکی از مواضع ارتش که

در اطراف شهر بر روی تپهای قرار دارد حمله نموده و تانکها را مجبور به عقب نشینی می نمایند. امروز هر کسی که سلاحی در زیرر خاک پنهان کرده بود اسلحه بدوش گرفتار است و پیشمرگه ها آزادانه در شهر رفت و آمد می نمایند.

دوشنبه ۵۸/۷/۳۰: شهر کلاً در دست مردم و پیشمرگه ها است. پاسداران در خانه جوانان نزدیک پادگان موضع گرفته و مردم بی گناه را که از آن حوالی عبور می کنند غافلگیرانه بگلوله می بندند. این چند روز از مردم ۴ یا ۵ نفر شهید شده و ۱۳ الی ۱۴ نفر زخمی گشته اند، از نیروهای دشمن عده زیادی کشته و زخمی شده اند که از تعداد دقیق آنها اطلاعی در دست نیست.

اعتراض مردم سندج به نحوه فرمایشی مذاکرات هیئت اعزامی

بدینال اعلام جهاد علیه خلق کرد از طرف قدرت حاکم، وهجوم و شتابانه ارتش مدخلی و پاسداران فربخورده و مزدور به کردستان و اعدام بسیاری از زندگان در شهرهای مختلف کردستان، خلق کرد دوش بدوش پیشمرگان قهرمان خود در شهر کوکوه دست به مبارزه مقاومت زد. این مبارزه تا آنجا شکامل یافت که اکنون از جنبه تدافعی در آمده و شکل تفرقی بخود گرفته است بطوریکه مرتجعین را از خیال خام سرکوب جنشی حق طلبانه، خلق کرد از طریق نظامی منصرف گردانده و آنان را وادار به چاره اندیشی نموده است. دولت ضد انقلابی اینبار شوطه دیگری در سردار دوجا ره در مذاکره می بیند. دولت ارتجاعی می خواهد از مذاکره به عنوان سلاحی برنده تر از هجوم نظامی استفاده کند. زیرا او خوب می داند تا زمانی که خلق کرد در سنگر است و مسلحانه می جنگد، امکان تفرقه در بین آنان نیست به همین منظور یکباره صد هشتاد درجه چرخش نموده و به نکر مذاکره افتاده است. (با بدیدار کرد دولت شوطه در سردار در مذاکره برای چیست؟ مگر نه اینست که خواسته خلق کرد در یک قطعه ۸ ماده ای قبلاً به اطلاع دولت رسیده است)، در نتیجه هیئت را به نام حسن نیت که در واقع سوء نیت دارند روانه کردستان نمود و آدمی خود را جهت مذاکره اعلام نموده است.

دولت می خواهد در این مذاکره از سیاست "تفرقه انداز حکومت کن" استفاده نموده و با دادن پاره ای امتیازات به عده ای سازشکار و مرتجع در صفوف خلق کرد تفرقه ایجاد نماید و از این نیروهای سازشکار به عنوان چماقی علیه نیروهای مترقی استفاده کند. دولت میخواهد با مرتجعین محلی به مذاکره بنشیند و سپس از بلندگوهای ارتجاعی خود چنین وانمود کند که

با شما پسندگان خلق کرد مذاکره نموده است. برای نمونه، در تاریخ ۱۳ آبان که هیئت دولتی وارد سندج شدند، از چند تن از مرتجعین از جمله "مجتهدی" خواسته بودند که با انسان مذاکره کنند. مجتهدی راهمه مردم کردستان از کوچک و بزرگ بخوبی می شناسد. او کسی است که در دوران رژیم منغور پهلوی تمام روزهای جمعه در مسجد جامع سندج برای سلامتی "تا هشتا هوشیا شو" دعا می خواند و تا مدتی بعد از انقلاب تا میرده جرات بیرون آمدن از منزل خود را نداشت. اکنون سید نیست که این رژیم نیز مجتهدی را شما بنده خلق کردینا مدد زیرا مانع وی چنین اقتضا میکند.

اما خلق کرد بیدار است. مردم مبارز سندج به محض اطلاع از جریان جلومسجد والی که مجتهدی در آنجا منتظر هیئت دولتی بود تجمع کرده و شعار می دادند: رهبر ما در سنگر است، مذاکره تحریم است. مذاکره با مفتی (مجتهدی) توهین به خلق کرد است، مرکب و جاشکان، جاشکود و فرونده گان، سپس مردم دسته دسته در حیایان راه افتادند و علیه هیئت دولتی و جاشهای محلی شعار دادند. آنگاه مردم در جلواستاداری تجمع کرده و قطعنامه ای را در چند ماده خواندند و اعلام کردند فردا جهت اعتراض به نحوه مذاکره، مردم در میدان آزادی جمع شوند.

در تاریخ ۱۴ آبان بیش از (۵۰۰۰۰) نفر از مردم ما رز سندج در یک راهپیمایی و تظاهرات عظیم شرکت کردند. تظاهراتندگان خواهشهای خود را در پلاکاردهایی منکس نموده و مرتب شعار می دادند. پاره ای از شعارها چنین است: رهبر ما در سنگر است، مذاکره بی شمر است / مذاکرات پنهانی با احزاب سازشکار، افشاء باید کرد / ارتش ضد خلقی، پاسداران ارتجاعی ما سودا بد کرد / مذاکره با مفتی توهین به خلق کرد است، قطعنامه مهاباد، خواسته خلق کرد است / خبرگان، خبرگان، حامی ستمگران / بازگان، بازگان دشمن زحمتکشان / خلق کرد بیدار است، از تفرقه بیزار است / هیئت حسن نیت شوطه دولت است / مذاکره پنهانی یک حیل جدید است / دولت ارتجاعی حسن نیت ندارد، شوطه ارتجاع دیگرا شر ندارد / نمازش نه تسلیم، تا پیروزی نهایی جشن ادا ندارد.

تظاهراتندگان هنگام عبور از خیابانها در چندین محل نقل باران و سکه باران شدند. هنگامیکه تظاهراتندگان از جلو یک دبستان دخترانه عبور میکردند، دانش آموزان خود را از جلو پیشمرگه ها دور می داشتند: رهبری راسته قیبه، فقط شیخ عزالدین (رهبر واقعی فقط شیخ عزالدین است)، در بابان ظاهر کنندگان در چهار راه شهدا قطعنامه خود را خواندند. پاره ای از مواد موجود در قطعنامه عبارتند از:

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق هاست

بقیه از صفحه ۴ بپایانیه سازمان ...

آمریکا متصل شده است و منشأ اصلی تمام بحران های اقتصادی - اجتماعی جامعه ورنج وستم دیرینه اقتصادی و سیاسی برتوده های زحمتکش ماست. و این آن چیزی است که هیئت حاکمه کنونی علیرغم هاپیوی فراوان و تبلیغات فریبکارانه، از پاسخگویی به آنها عاجز است و تاکنون با توجه به تمام اعمال و کردار خود به توده ها نشان داده است که در برابر تحقق این خواست توده ها با تمام قوا قد برمی افرازد.

● کمونیستها باید با شرکت فعال در مبارزات ضد امپریالیستی توده ها که هم اکنون در کوجه ها و خیابانها جاری است و هر روز اوج بیشتری میگیرد و با بردن شعارهای واقعی ضد امپریالیستی به میان آنان، نشان دهند که پیگیرترین نیروی ضد امپریالیستی هستند.

کمونیست ها که تاکنون با سیاست های افشاگرانه خود حقانیت سیاسی و تاریخی خویش را نشان داده اند، اکنون نیز نباید یک لحظه در افشای این واقعیات و ماهیت هیئت حاکمه تردیدی بخود راه دهند. آنها باید با شرکت فعال در مبارزات ضد امپریالیستی توده ها که هم اکنون در کوجه ها و خیابانها جاری است و هر روز اوج بیشتری میگیرد و با بردن شعارهای واقعی ضد امپریالیستی به میان آنان، نشان دهند که پیگیرترین نیروی ضد امپریالیست هستند.

آنها باید در متن همین شرکت فعال نشان دهند که انحصار طلبان جنگ - افروز دیروز که در شان تا مرفق به خون خلق کرد آلوده است، سناکزیروینا بر ما هست طیفاتی خود نمیتوانند خواست های ضد امپریالیستی آنها را برآورده سازند و میگویند تا این مبارزه را و شقه با زبانی اقتدار افول نایافته خویش قرار دهند.

آنها باید در متن همین شرکت فعال نشان دهند که نیروهای لیبرالیسم همچون جمهوری خلق مسلمان به زعامت شریعتمداری، جبهه ملی و ... کسبه هم اکنون مزورانه لباس "ضد امپریالیستی" برتن کرده اند و در میانها و روزنامه های پرطمطراق خود اندر ضرورت مبارزات بر علیه امپریالیسم قلم فرمائی مینمایند، در پی مبارزیدن به مبارزات اوج نایافته، توده ها بر علیه امپریالیسم آمریکا و هیئت حاکمه هستند. آنها باید نشان دهند که چگونه رویزیونیستهای وابسته به سوسیال امپریالیسم حزب توده میگویند تا بر تمام عملکردها و سیاست های ضد انقلابی هیئت حاکمه و جناح قدرتمند کنونی آن پرده اندازند و با شرکت در "جشن ضد امپریالیستی" هیئت حاکمه، نان شیرینی ای برای خود دست و پا کنند.

آنها باید نشان دهند که چگونه رویزیونیستهای متغور "بجانبانی" به اعتبار سیاست های رویزیونیستی و ضد انقلابی شان، از اوگیری مبارزات ضد امپریالیستی توده ها بر علیه امپریالیسم آمریکا، افسرده خاطر شده اند و بدین ترسب پرده از چهره کشف ثغورهای ضد انقلابی آنان که بر اساس آن حاضرند بخاطر "مبارزه" با سوسیال امپریالیسم به پای اتحاد با امپریالیسم خونخوار آمریکا بروند، بردارند.

و سرانجام آنها باید در متن همین شرکت فعال به دموکراتهای ناپیگیر نشان دهند که نباید محور چند اقدام ضد آمریکائی این بخش از هیئت حاکمه شده و با فراموش کردن گذشته، مراسننگین اینان به وعده های شیرین و دهان پرکن آنها دل خوش کنند و بیش از پیش در محاق توهم و خوشبختی فرو روند.

آری اکنون وظایف خطیرتری در پیش روی کمونیست ها است.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۸/۸/۲۵

بقیه از صفحه ۱۷

جشنش دانش آموزی ...

۴ - برگرداندن منمنان و دانش آموزان مبارز و انقلابی که اخراج شده اند و اعاده حیثیت از آنها.

۵ - آزادی فعالیتهای سیاسی در مدارس.

۶ - اخراج هر چه زودتر احراری رئیس کل آموزش و پرورش فارس.

۷ - تمویض محتوای کتابهای درسی که بر اساس نیازهای امپریالیستی و با فرهنگ استعماری تدوین شده.

۸ - اخراج عناصر و اکی و ارتجاعی که خوش خدمتی خود را به رژیم سابق نشان داده اند.

۹ - پایان دادن به کشتار بی رحمانه خلقی تحت ستم بخصوص خلق کرد و پیشانیایی کامل از خواسته های برحق و مبارزات پیگیر و فخرمآنان، دانش آموزان کردستان.

بعد از خواندن قطعنامه دانش آموزان به راهپیمائی خود ادامه دادند. اما فالانژهای انحصار طلب با چوب و سنگ نظامی هر کس را که را محدود مورد حمله قرار داده چند نفر را کشت زدند و یک نفر را زخمی نمودند. سپس دانش آموزان متفرق شدند.

هدف از گذاشتن راهپیمائی، گواهی - داشت خاطر شهدای ۱۳ آبان، مطرح کردن خواسته های صنفی - سیاسی، ایجاد حرکت و جشن دانش آموزی، پیوند مبارزات زحمت کشان، تشکیل و اتحاد نیروهای مبارز و افشاکاری و همگام بودن با مبارزات مردم و دانش آموزان در سایر شهرها بود. این مبارزات مسوزان نخواهند در مسائل در بسته دانشگاه جمع شوند و شعار دهند بلکه می خواهند در خیابان ندای حق طلبانه خود را بگوش مردم برسانند و با این حرکت به جشن دانش آموزی اعتسلا بخشد. آنها به خیابانها آمدند تا به مبارزات دانش آموزان سمت و سوی توده ای بدهند و راه را برای مبارزات و راهپیمائی های جمعی هموار سازند. ■

تسمیدندگان و مخالفان خلقی و جانهای محلی در یک دادگاه خلقی.

۳ - پیشبینی از متن پیشنهادی شیخ عزالدین حسینی و اعاده حیثیت سیاسی از رهبر ملی و مذهبی کردستان " حضرت شیخ عزالدین حسینی " و افشای تمامی جعلیات و اتهامات واهی نسبت به این شخصیت مبارز کرد در برابر تمامی خلقهای ایران از طریق رسانه های گروهی.

۴ - هیئت اعزامی باید فقط با نمایندگان گروههای سیاسی کردستان مذاکره کنند و هر نوع مذاکره یکجانبه و پنهانی از جانب خلق کرد محکوم است.

۵ - خلق کرد خواستار انحلال مجلس فرمایشی خرمگان و تشکیل مجلس موسسان واقعی شامل نمایندگان کارگران، دهقانان و سایر اقشار خلقی است.

۶ - آزادی فعالیت احزاب، سازمانها و گروهها و آزادی انتشار روزنامه های مترقی و پیشرو. ■

اخبار کردستان ...

۱ - قطعنامه هشت ماده ای میبادستندج
۲ - اخراج پاسداران، آزادی زندانیان سیاسی بدون قید و شرط، بازگشت کلیه



جنبش کارگری

محاکمه نماینده بورژوازی در خانه کارگر

کار و دفترچه بیمه درمانی
خواست اصلی کارگران بود .

بعد از اینکه کارگران پیروز منداخانه کارگر را تصرف کردند، اعلام نمودند که روز دوشنبه ۵۸/۸/۱۲ در خانه کارگر اجتماع خواهند کرد و نتایج نه‌نهایی را به طرف دولت برای پاسخگویی به خواسته‌هایشان حاضر شود، سوی وزارت کار رتظ هرات خواهند نمود، و امروز دوشنبه بود. "ضیا" - مساوان وزارت کار به عنوان نماینده دولت در اجتماع صدها نفری کارگران در خانه کارگر حاضر شده بود. ساعت ۹ صبح به ما با زماندهی خوبی شروع شد. هرکس می خواست صحبت کند، قبلاً باید اسم می نوشت و نوشت می گرفت. کارگران زیادی صحبت کردند و هر یک با طرح مشکلاتشان سعی نماینده بورژوازی را به محاکمه کشیدند. ضیا در مقابل مطرح شدن خواسته‌های کارگران مرتباً زیبانه می گفت چنم، چنم. ما در اینجا محبت‌های چند نفر از کارگران را به اختصار ذکر می کنیم :

کارگری پشت میکروفون رفت و گفت :
" در راه پیمائی از وزارت کار به سخت‌ترین مراد سنگین گردید، ۳ روز در کمیته مرکزی و ۱۸ روز در زندان اوین بودم، در موقع آزادی از من تمهید گرفتند که دیگر به گرسنگی ام اعتراض نکنم، دیگر در تظاهرات شرکت نکنم. ولی من فقط تمهید دادم که دیگر مقابل سخت‌ترین و سبب‌ترین شروع "کارگر دیگری پشت تریبون رفت و گفت :
" شما ۲۴ ساعت دست و پای یکنفر را می‌بندید پسینده می‌توانست گرسنه بماند، می‌توانست گرسنه بمیرد، آخر تا کی ؟ من از همه می‌خواهم که از این پشتیبانی کنند تا بتوانیم به خواسته‌هایمان برسیم "

قابل ذکر است که کارگران بهنگام سخن رانی اغلب مساوان و زیرکار را مورد خطاب قرار می دادند و او هم جزا شید و چشم گفتن چیزی نمی توانست بگوید. یکی از کسانی که صحبت کرد، کارگری از آبادان بود، وی گفت :
" سلام مادقانه سرکارگر به همه شما، به کارگران خوزستان به رزمندگان دلیر کردستان و به همه خلقهای دیگر ایران. حتماً تا کنون ما بهیت غیر خدای آمریکا ای آقای بازرگان برا - بشان روشن شده است. ایشان کی است که می‌رود با سرزنسکی مذاکره می کند، آقای بازرگان ادعای ۴۰ سال مبارزه میکند، ولی سبتر است یکوشم ۴۰ سال سازش. اگر می‌خواهید ایشان و دولتش را سبتر بشناسید، بکبار دیگر به لایحه رسیدگی به حرام شدن انقلاب مراجعه بقیه در صفحه ۱۴

● به اعتصاب در یک ماه (اعتصاب، مدرسه کارگران است)

● کارگران از خروج کالاهای تولید شده، از انبار جلوگیری میکنند.

سر استفاده از احساسات مذهبی کارگران بی - فایده بود و کارگران بخوبی ما بهیت نماینده صنایع و معادن ... را شناختند و حرف هیچ مقامی را برای شکستن اعتصاب گوش نمی‌کردند. سرغما می این نماینده دولت ضد کارگری هم ضد با در مقابل خواسته‌های کارگران استادگی میکرد و بر سر مسئله "دادن حق امضا به شورا" بین یکی از نمایندگان کارگران و نماینده سرغما می حاش درگیری لفظی بوجود می آمد که سرغما می حیل‌گیر به اصطلاح قهر کرده و از کارخانه می رود و همچنین با برمدبران هم از کارخانه فرار می کند و فعلاً به کارخانه نمی آید، گویا ۲۰۰ میلیون تومان دزدی کرده اند. وزارت صنایع می گوید در صورتی سرغما می به کارخانه می آید که شورا حق امضا نداشته باشد ولی کارگران شدت روی خواست حق طلبانه خود با فشاری کرده و تسلیم وزارت صنایع و معادن که حافظ منافع غارتگران است نمی شوند.

با اواخر بعد از دروز که به خواست کار - گران توجهی نمی شود یکی از نمایندگان مبارز از کارگران می‌خواهد که به سرکار بروند و به تولید ادامه دهند ولی جلوی خارچ شدن تولید را بگیرند و انبار نکنند. هنوز هم وزارت صنایع به خواسته‌های برحق کارگران هیچ جوابی نداده و کارگران مبارز هم تولید را انبار کرده و نمی گذارند از کارخانه خارچ شود. زمزمه‌هایی هم هست که احتمالاً از تاریخ ۲۱ آبان حقوق کارگران قطع خواهند کرد و کارگران هم تصمیم دارند محمولات تولید شده را در جلوی کارخانه بفروش ببرند.

لازم به تذکر است که در اثر اوجگیری مبارزات کارگران و فشار بیش از حدی که به آنها وارد میشود حدود ۲۰ روز قبل شورای مائش - کار سابق را منحل کرده و مجدداً نمایندگان خود را انتخاب کردند (که از ۱۱ نفر نماینده ۹ نفرشان از کارگران مبارز هستند). بنا بر اینند به خواسته‌های برحق خود ادامه عمل می‌نمایند.

" تا سودا دوطئه‌های سرمایه‌داران خونخوار
" برقرار باد اتحاد و همبستگی کارگران "

اعتصاب در کارخانه ارج

هفته اول آبان ماه در کارخانه ارج به خاطر نپرداختن سودویژه به کارگران اعتصاب شد و این اعتصاب ۲ روز بطول انجامید و یکی از خواسته‌های کارگران دادن حق امضا به شورا برای فروش و خواست دیگر کارگران پرداخت سودویژه بود. از بعد ۵۸ فقط ۲۰۰۰ تومان سود بمساوان علی الحساب به کارگران پرداخت شده است که متعلق به سه ماهه اول سال بود و اکنون ۴ ماه از پرداخت این سود گذشته و هنوز سود ۳ ماهه دوم پرداخت نشده است. همه کارگران بپا دادارند که فاطمی زاده (مدیر سابق) مرتب وعده می داد که امسال سود کارخانه به سبب خود کارگران (!) می رود و کارخانه مال خود کارگران است بعد هم همین مزدور عد کارگرا به سبب زدن میلیونها تومان از دسترنج کارگران به آمریکا فرار کرده و به ارباب خود، مهندس ارجمند، بیست و ولی نصیب کارگران از این در آمد عظیم کارخانه فقط ۲۰۰۰ تومان سود. ولی وقتی کارگران فهمیدند که کلاه بزرگی برشان رفته است به وزارت صنایع و معادن رفته، از آنها می خواهند که نماینده ای برای اداره کارخانه بفرستند، آنها هم شخصی بنام سرغما می را بمساوان نماینده می فرستند. کارگران فکری کردند که با آوردن نماینده صنایع و معادن جلوی غارتگریها و دزدیهای کلان گرفته خواهند بود ولی سرغما می این نماینده سرمایه‌داران از همان روزهای اول در جهت منافع کارفرمای زالیولت قدم برمی داشت و در مقابل خواسته‌های کارگران می ایستاد. وضع کارگران از سابق هم بدتر شد و هیچکدام از خواسته‌های حق طلبانه آنان تا مین نند، به همین خاطر در دوره سرغما می بکبار در شهر بیورما بعد یک روز کارگران اعتصاب کردند ولی نماینده داستانی شهران با حیل‌گیری تمام به فریب کارگران پرداخت و گفت در این شرایط هرکس اعتصاب کند مثل این است که گلولی امام را فترده است و به این ترتیب اعتصاب برحق کارگران را شکست ولی از آنجا که فریبکاری و حیل‌گیری محکوم به شکست است و بتدریج کارگران به حقوق خویش آگاه میشوند، کارگران بکبار دیگر با اعتصاب محدود در اوائل آبان ماه نقشه‌های سرمایه‌داران فریبکار را خنثی نمودند و این بار دیگر

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر